

رابطه بین حقوق بشر و محیط زیست در پرتو تحول در روابط بین الملل

دکتر جواد امین منصور^۱

^۱. معاون دفتر نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در ژنو j.aminmansour@gmail.com

چکیده

طی قرن‌ها، دو موضوع حقوق بشر و محیط‌زیست در بستر زمان در ذهن بشر به صورتی جداگانه و ضعیف مطرح بوده‌اند. دو موضوع، با تاسیس سازمان‌های بین‌المللی در دستورکار آنها قرار گرفته و باگنجانده شدن در هنجارهای جدید، دچار تحول بی‌سابقه‌ای شدند. انجام تحقیقات و گسترش اندیشه بشری باعث روشن‌تر شدن ابعاد رابطه انکارناپذیر و ناگسستنی بین آن دو گردید و جایی در اسناد حقوقی بین‌المللی و احکام قضایی دادگاه‌های ملی و بین‌المللی چون دادگاه اروپایی حقوق بشر و دیوان بین‌المللی کیفری باز کرد. هرچند شناسایی رابطه بین حقوق بشر و محیط‌زیست و قضاوت پیرامون آن در مرحله آغازین خود بسر می‌برد، پیش‌بینی می‌شود که سیاستمداران فعال در گوشه‌وکنار جهان چاره‌ای جز به رسمیت شناختن این رابطه و نادیده گرفتن مرزهای سیاسی ندارند. با وجود پیچیدگی‌های ذاتی این رابطه، دیپلمات‌ها باید با گفتگو، تحقیق و بررسی بیشتر در گردهمایی‌های بین‌المللی نظیر شورای حقوق بشر و مجامع محیط‌زیستی و با کنارگذاشتن ملاحظات سیاسی، حقوق انسانی مربوط به محیط‌زیست همچون حق استفاده همگان از محیط‌زیست سالم با همه ویژگی‌های آن را تعریف و برسمیت بشناسند.

واژگان کلیدی

محیط‌زیست، حقوق بشر، حق حیات، روابط بین‌الملل.

مقدمه

یکی ازسئوال‌های مطرح درمحافل دانشگاهی، مدنی و مجامع بین‌دولتی درجهان ازجمله شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد چگونگی رابطه بین حقوق‌بشر و محیط‌زیست است. دراین رابطه، میزان اثرگذاری هریک از دو موضوع و عناصر تشکیل‌دهنده آنها بریکدیگر و پیامدهای این روند بر امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی درخورتامل می‌باشد. دراینجا قصد آن نیست که کلیه مولفه‌ها مورد کنکاش قرارگیرند چراکه این‌کار، مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی را می‌طلبد. تاجایی‌که مربوط به موضوع این نوشتار است، تلاش می‌شود اثربخشی دوسویه دو موضوع حقوق‌بشر و محیط‌زیست درفرآیند تحول در روابط بین‌الملل مورد بررسی قرارگیرد و تحقیق بیشتر پیرامون آن به پژوهشگران علاقمند سپرده شود. باید درنظر داشت ماهیت این نوشتار حقوقی - سیاسی بین‌المللی است. علاوه برآن، به‌نظر می‌رسد از میان حقوق شناخته شده بشری، «حق حیات» یا «حق زندگی» رابطه روشن‌تر و مستقیمی با محیط‌زیست داشته باشد. ازاین‌رو، بر روی رابطه بین حق حیات و محیط‌زیست تمرکز بیشتری شده است. اولین مقاله نگارنده پیرامون رابطه بین حقوق بشر و محیط‌زیست درفصلنامه سیاست خارجی پاییز ۱۳۹۴ چاپ شد و این نوشتار تلاشی برای تکمیل و به‌روزکردن مقاله با توجه به تحولات جدید درعرصه روابط بین‌الملل دراین زمینه است. فرض برآن است که رابطه مستقیمی بین حقوق بشر و محیط‌زیست وجود دارد و هریک درگذر زمان و با بروز تحول در گفتمان‌های خاص خود، بر یکدیگر به‌صورتی مستمر اثرگذارند. دامنه این اثرگذاری گسترده بوده و هرجایی از کره زمین که درآن انسان و امکان زندگی وجود دارد، قابل مشاهده است. ازسوی دیگر، ازآنجاکه محیط‌زیست مرزهای سیاسی را برسمیت نمی‌شناسد، نمی‌توان برای این رابطه حدی جغرافیایی قایل شد یا آنرا در درون مرزهای انسان‌ساخته محصور کرد. ازاین‌رو، رابطه بین حقوق بشر و محیط‌زیست موضوعی عمومی و درخور تامل و توجه فراوان است. در این راستا، لازم است ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ازجمله حقوق و مسئولیت‌های ناشی از آن با گفتگو و تحقیق شفاف و همکاری جمعی دولتمردان و جوامع مدنی روشن‌تر شود. روش

بکارگرفته شده توصیفی - تحلیلی است و در تهیه آن از اخبار، اسناد و آمارهای موجود در تارنماها، مقاله‌ها، کتاب‌ها و گزارش‌های مربوط به توسعه پایدار و محیط‌زیست استفاده شده است.

محیط زیست و کرامت انسانی: وجود محیط‌زیست سالم برای ادامه حیات انسان ضروری بوده و برخورداری از محیط‌زیست مناسب برای زندگی از حقوق بشر است، هرچند این واقعیت در بسیاری از قوانین موضوعه هنوز به‌طور صریح مورد اشاره قرار نگرفته است. به عبارت دیگر، تخریب محیط‌زیست باعث بروز اختلال در ادامه موجودیت عوامل زیستی موثر در زندگی انسان شده و پایمال شدن حق حیات^۱ از مردم را به دنبال خواهد داشت. از این رو، حق حیات باید در هرگونه تصمیم‌گیری در فعالیتهای توسعه‌ای مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاستمداران باشد. در دهه‌های گذشته تحول شگرفی در عرصه روابط بین‌الملل به‌طور کلی و در بستر اسناد حقوق بشری بین‌المللی و اسناد محیط‌زیستی بین‌المللی به‌طور خاص بوقوع پیوسته است. در نتیجه، همکاری و گفتگوهای گسترده‌ای بین کنشگران مختلف به‌طور جداگانه در زمینه‌های حقوق بشر یا محیط‌زیست صورت گرفته است. واقعیت‌های دنیا و شرایط فعلی زندگی گویای نوعی رابطه انکارناپذیر و ناگسستنی بین حقوق انسان‌ها و محیط‌زیست است. بیش از دو میلیون مرگ زودهنگام سالانه در جهان در اثر آلودگی، پیامدهای منفی تخریب انواع زیست‌بوم‌ها بر مردم، شامل: کمیابی آب، نابودی آبزیان و تهدید امنیت خوراکی، مدیریت ضعیف انواع پسماندها، بلایای طبیعی ناشی از تخریب محیط‌زیست مانند بیابانزایی، خشکسالی، توفان ریزگردها، سیلاب آبی، خشک شدن رودخانه‌ها و تالاب‌ها از جمله چالش‌هایی هستند که جامعه بشری با آن روبرو است. بر این مشکلات باید پیامدهای متقابل تغییر آب‌وهوا و نابودی منابع طبیعی، تهدیدهای موجود علیه سلامت انسان، شیوع انواع بیماری‌های ناشی از انواع آلودگی‌ها و برخوردهای ضعیف جامعه بین‌المللی با چالش‌ها را نیز افزود. البته پیچیدگی برقراری ارتباط بین حقوق بشر و محیط‌زیست و جزییات آن باعث شده که قدم‌های کمی توسط نظریه‌پردازان و

^۱. Right to Life

دولتمردان برداشته شود. وفق مفاد اعلامیه ۱۹۷۲ (۱۳۵۱) استکهلم، انسان از حق بنیادین آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که کیفیت آن امکان زندگی با کرامت و سعادت‌مند را فراهم کرده باشد برخوردار بوده و مسئولیت جدی حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسل‌های حاضر و آینده را به‌عهده دارد (Stockholm Declaration, Principle One). بدین ترتیب، اعلامیه یادشده رابطه مستقیمی بین حقوق انسان در حال و آینده با کیفیت محیط زیست وی قایل است. در این چارچوب، برخی اندیشمندان حق برخورداری از محیط زیست سالم را جزو نسل سوم حقوق بشر می‌دانند. آنها حقوق بشر نسل اول شامل حقوق سیاسی و مدنی و حقوق نسل دوم شامل حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را پایه و اساس شکل‌گیری نسل سوم حقوق بشر مانند حق توسعه^۱ و حق برخورداری از محیط زیست سالم می‌دانند. بدین معنا که علاوه بر رابطه بین نسلی حقوق بشر در طول زمان، یک رابطه عرضی متقابل و پیوسته بین عناصر حقوق بشر با عناصر تشکیل‌دهنده محیط زیست وجود دارد. در این رابطه متقابل پیچیده، عناصر دیگر اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی هم مؤثر بوده و به این فرآیند پایان‌ناپذیر شکل می‌دهند. بدیهی است که هرچه برنامه‌ریزی‌ها و اجرا در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و محیط‌زیستی دقیق‌تر، عقلانی‌تر و ناشی از نتایج گفتگو بین مردم به‌ویژه فعالان جامعه باشد، کشور بازده مناسب و عادلانه‌تری خواهد داشت و همگان از آن بهره خواهند برد.

اما از نظر آلن بویل^۱، حقوق محیط زیست در هیچ طبقه‌بندی یا نسل حقوق بشری نمی‌گنجد و (رابطه بین این دو) باید از سه زاویه دیده شود. نخست آنکه از حقوق مدنی-سیاسی فعلی برای دسترسی اشخاص به اطلاعات محیط‌زیستی، مسایل قضایی، و روندهای مدنی استفاده شود. از این رو، وی تاکید می‌کند که راه‌حل عملی برقراری رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر، سبزکردن قوانین حقوق بشری، و نه کار بر روی قانون حقوق محیط زیست است. دوم، داشتن یک محیط زیست سالم، حق اجتماعی و اقتصادی افراد است؛ موضوعی که در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مطرح است. سوم آنکه، توجه به کیفیت محیط زیست به‌عنوان حق همبستگی و جمعی

۱. Alan Boyle

مردم (نه اشخاص) برای تصمیم‌گیری راجع به محیط‌زیست خود و منابع طبیعی ضروری است (Boyle, 2014). بدین ترتیب، آلن بویل برخورداری از محیط‌زیست سالم را جزو حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی افراد تلقی کرده و توجه به کیفیت محیط‌زیست را حق مردم می‌داند. جامعه جهانی علاوه بر تلاش برای روشن‌تر کردن رابطه بین محیط‌زیست و حقوق بشر، باید به‌رویارویی با مشکلات احتمالی در پیمودن این مسیر هم بپردازد. در این راستا، در مرحله اول باید بر پیچیدگی رابطه بین حقوق بشر و محیط‌زیست و ترس از اثر منفی این پیچیدگی بر روند پیشرفت جداگانه هریک غلبه کرد؛ چراکه ضعف در مدیریت پیچیدگی‌ها می‌تواند باعث قربانی شدن حقوق مردم شود. مانع دیگر، نبود تمایل در بسیاری از دولت‌ها به اعتراف و انعکاس رابطه مستقیم بین حقوق بشر و محیط‌زیست در اسناد بین‌المللی است. دلیل آن می‌تواند مصون ماندن از پیامدهای احتمالی هر گونه مصوبه‌ای در این زمینه باشد که احتمال دارد به‌زیان آنها شکل بگیرد. متأسفانه، با وجود پیشرفت‌های حاصله در هنجارسازی با تدوین و تصویب اسناد حقوقی بین‌المللی در زمینه‌های حقوق بشر و محیط‌زیست و نیز پیوستن تعداد بسیاری از دولت‌ها به آنها، هنوز کوتاهی‌های فراوانی در اجرای این گونه قواعد به چشم می‌خورد. همچنین ممکن است این بیم وجود داشته باشد که با پذیرش ارتباط بین دو موضوع مورد بحث، انتظار بیشتری در رابطه با پایبندی دولت‌ها به اسناد حقوقی بین‌المللی بوجود آید. در اینجا به انعکاس «حق حیات» در اسناد محیط‌زیستی و حقوق بشری بین‌المللی و روند تحول در آنها اشاره می‌شود؛ چراکه حق حیات از حقوق پذیرفته‌شده انسانی است و رعایت آن پیش‌نیاز وجود محیط‌زیستی سالم برای کلیه عناصر موجود در طبیعت شامل جان‌داران و بی‌جانان است.

۱- اسناد نشست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مربوط به توسعه پایدار و محیط‌زیست

چنانکه از عنوان کنفرانس محیط‌زیست انسانی ملل متحد مشخص است، دو موضوع «محیط‌زیست» و «انسان» در دستورکار این گردهمایی تاریخی بوده است. بیانیه کنفرانس استکهلم را می‌توان بوجدآورنده اساس رهیافت محیط‌زیستی نسبت به

حقوق بشر در سطح جهانی دانست و می‌توان ردپای حق حیات را در رابطه با محیط‌زیست در آن سند سیاسی مشاهده کرد. وفق بند اول بیانیه، هردو بُعد محیط‌زیست بشر یعنی بخش‌های طبیعی و ساخته بشری، برای رفاه وی و برخورداری از حقوق اساسی بشر از جمله حق حیات ضروری است. براساس بیانیه، بشر دارای حقوق اساسی برخورداری از آزادی، برابری، و شرایط کافی زندگی در یک محیط‌زیست باکیفیت است که باعث یک زندگی باکرامت و مرفه می‌شود (Stockholm Declaration, 1992. para. 1). بشر مسئولیت حفاظت و بهبود وضعیت محیط‌زیست را برای نسل‌های فعلی و آینده به‌عهده دارد. منابع طبیعی زمین شامل هوا، آب، زمین و گونه‌های گیاهی و جانوری باید به‌نفع نسل‌های حاضر و آینده از طریق برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح حفاظت شوند. بشر مسئولیت حفاظت و مدیریت عاقلانه میراث حیات وحش و زیستگاه آن را به‌عهده دارد (Stockholm Declaration, Principles 3, 4 & 5). به‌طور کلی، بیانیه نگاهی مثبت به فعالیت‌های انسانی برای نیل به توسعه و پیشرفت دارد. اما برخی فعالیت‌ها که به‌زیان سلامت جسمی و روانی بشر و باعث آسیب‌رسانی به محیط‌زیست با آلوده کردن منابع آب و هوا و خاک، برهم‌خوردن تعادل بوم‌شناختی سپهرزیستی می‌شود را مردود می‌شمارد (Stockholm Declaration, para. 3). بدین ترتیب بیانیه با اهمیت قایل‌شدن و دادن حق به بشر برای فعالیت‌های خردمندانانه با استفاده از منابع طبیعی اطراف خود، فعالیت‌های زیانبار و جبران‌ناپذیر را رد کرده چنین حقی برای جوامع بشری قایل نیست؛ چراکه به حق حیات خود او و سایر موجودات جان‌دار و بیجان در محیط زندگی آسیب می‌رساند. نکته درخور تامل دیگر و از نوع دوم در بیانیه، رد پایمال کردن حقوق بشر برخی گروه‌ها و افراد در یک جامعه یا کشور توسط برخی افراد و گروه‌ها است (Stockholm Declaration, Principles 1 & 15). بیانیه، به‌موازات اشاره به ضرورت حفظ محیط‌زیست و دربرخوردی تند و صریح، برخی سیاست‌های رایج در آن زمان (البته در برخی مناطق جغرافیایی) مانند تبعیض یا تسلط نژادی، اشغال خارجی، استعمار، و آپارتاید که منجر به نقض حقوق بشر می‌شود را محکوم می‌کند. درخور تامل آنکه برخی سیاست‌ها و اقدام‌های ناقض حقوق بشر در چگونگی بهره‌برداری از منابع و برنامه‌ریزی‌های مربوط به توسعه و شهرسازی موثرند.

برخورد از نوع سوم دربیانیه، تذکر دادن و مقابله با رساندن زیان‌های محیط‌زیستی جوامع بشری به یکدیگر است (Stockholm Declaration, Principle 21). بیانیه، اصل حقوق بین‌الملل مبنی بر حق حاکمیت دولت‌ها بر منابع خود و بهره‌برداری از آن را تایید می‌کند. بی‌درنگ بعد از آن، بیانیه تذکر می‌دهد که این گونه بهره‌برداری در سرزمین‌های تحت حاکمیت یا کنترل نباید منجر به وارد شدن خسارات محیط‌زیستی به مناطق یا کشورهای دیگر شود و بدین‌وسیله حق دسته‌جمعی افراد یک جامعه در بهره‌برداری از منابع طبیعی نیز دچار محدودیت‌هایی می‌شود. به عبارت دیگر، یک دولت تا زمانی حق بهره‌برداری از منابع خود را دارد که خسارت محیط‌زیستی به دیگر کشورها وارد نکرده و حق حیات مردم آن نواحی پایمال نشود.

بیانیه ریو، مصوبه کنفرانس محیط‌زیست و توسعه ملل متحد، انسان را در ملاحظات توسعه‌پایدار دارای محوریت می‌داند و اینکه باید از یک زندگی سازنده و سالم و در هم‌گونی با طبیعت برخوردار باشد (Rio Declaration, Principle 1). بیانیه با اشاره به حق توسعه (به‌عنوان یکی از عناصر حقوق بشر) و ضرورت اجرای آن، حفاظت از محیط‌زیست را جزو جدایی‌ناپذیر روند توسعه معرفی می‌کند؛ بهره‌برداری از منابع را حق حاکمیتی دولت‌ها دانسته و هم‌زمان از دولت‌ها تضمین می‌خواهد که نوع بهره‌برداری از منابع آسیمی به محیط‌زیست کشورها یا مناطق هم‌جوار وارد نکند. همچنین، بر ضرورت تامین نیازهای محیط‌زیستی و توسعه‌ای نسل‌های فعلی و آینده با عملی‌شدن حق توسعه تاکید کرده است. بیانیه، دولت‌ها را مکلف می‌سازد که برای جبران خسارت‌های وارده به قربانیان آلودگی و دیگر آسیب‌های محیط‌زیستی همکاری کنند (Rio Declaration, Principles 2, 3, 4 & 13) و بدین ترتیب، حق قربانیان (انسان‌ها) می‌داند که خسارات وارده به آنان جبران شود. اشاره به نقش و فعالیت زنان، جوانان، و مردم بومی در تحقق توسعه‌پایدار و ضرورت حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی مردم (در مناطق) تحت‌اشغال و سرکوب و سلطه (Rio Declaration, Principles 20 to 23) نشان از رنگ‌وبوی حقوق بشری و تاحدودی سیاسی در بیانیه دارد.

در سند دستور کار ۲۱، عبارات یا واژه‌هایی به‌طور مستقیم مربوط به حقوق بشر یافت نمی‌شود. ولی به‌رحال می‌توان اشاره به ضرورت کمک به افشار آسیب پذیر به‌ویژه زنان، جوانان، کودکان، و آوارگان در جریان تحقق توسعه پایدار را به‌نوعی رعایت حقوق این دسته از افراد تلقی کرد. در دستور کار ۲۱ همچنین عنایت به خانواده‌های فقیر، عشایر، جوامع ماهیگیر، مردم محروم از مالکیت زمین، جوامع بومی، مهاجرین و حاشیه‌نشین‌های شهری توصیه شده است (Agenda 21, Chapter 3, para. 3.5c). دستور کار ۲۱ همچنین حفاظت از منابع طبیعی برای ارتقای ظرفیت تولیدی جوامع محلی و نیز تامین دسترسی فقرا به آب شیرین و بهداشت و آموزش ابتدایی (که از حقوق شناخته‌شده بشری هستند) را به دولت‌ها توصیه کرده است (Agenda 21, Chapter 3, para. 3.5d & 3.8p-q). در سند یادشده یک فصل به سلامت انسان اختصاص داده شده و در آن به اهمیت سلامتی کلیه انسان‌ها به‌ویژه زنان، کودکان، جوانان و مردم بومی و نیز پیامدهای سوء آلودگی محیط زیست بر سلامت انسان تاکید شده است (Agenda 21, Chapter 6, para. 6.19 & 6.22).

در بیانیه و برنامه عمل مصوبه کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین^۱، اشاره‌ای به رابطه بین حقوق بشر و محیط زیست در حد انتظار مشاهده نمی‌شود. بیانیه، بر حق توسعه و اینکه انسان موضوع محوری در توسعه است، صحنه می‌گذارد (Vienna Declaration, para. 10). در بیانیه آمده که حق توسعه باید بگونه‌ای اجرا شود که نیازهای توسعه‌ای و محیط‌زیستی نسل‌های حاضر و آینده را تامین کند. کنفرانس جهانی حقوق بشر همچنین اذعان می‌کند که دفن غیرقانونی ترکیبات و پسماندهای خطرناک و سمی باعث تهدید جدی حق حیات و سلامت هرکسی می‌شود. در پی آن، کنفرانس از همه دولت‌ها می‌خواهد که به کنوانسیون‌های موجود مربوط به دفن محصولات خطرناک و سمی پیوسته و مفاد آنها را اجرا کنند (Vienna Declaration, para. 11). جالب توجه آنکه در این بیانیه فقط مخاطرات عناصر سمی و خطرناک برای حقوق بشر (در اینجا حق حیات) به‌عنوان تهدید تلقی شده و اشاره‌ای به دیگر مشکلات محیط‌زیستی نشده است.

۱. Vienna Declaration and Program of Action

کنوانسیون منطقه‌ای آرهوس^۱ را می‌توان بعد از بیانیه استکهلم، دومین سند مهم^۱ مبتنی بر حقوق^۲ در رابطه با محیط‌زیست دانست. این کنوانسیون به حقوق‌اساسی رویه‌ای عموم^۳ اشاره دارد و بدین‌ترتیب خواستار مشارکت عموم در حفاظت از محیط‌زیست می‌شود. وفق مفاد کنوانسیون، دولت‌های متعهد موظفند سه عنصر رویه‌ای که به آنها قطب‌های کنوانسیون نیز گفته می‌شود را در قوانین خود وارد کنند. این قطب‌ها شامل: دسترسی به اطلاعات مربوط به محیط‌زیست، مشارکت عموم در روند تصمیم‌گیری پیرامون محیط‌زیست و دسترسی به دستگاه عدالت هستند. کنوانسیون آرهوس حفاظت کلی از محیط‌زیست را برای رفاه بشر و برخورداری از حقوق بشر اساسی شامل حق حیات ضروری می‌داند. براساس مفاد سند، هر شخصی حق دارد که در یک محیط‌زیست مناسب برای سلامتی و رفاه خود زندگی کند. بر مبنای مفاد کنوانسیون، حفاظت و بهبود وضعیت محیط‌زیست به نفع نسل‌های حاضر و آینده است. درسند پایانی کنفرانس توسعه‌پایدار ملل متحد در سال ۲۰۱۲، نکات حقوق بشری بیشتری در مقایسه با بیانیه ریو ۱۹۹۲ (۱۳۷۱) وجود دارد و از آنجایی که محیط‌زیست نقش محوری در سند ایفا می‌کند، می‌توان از آن رابطه قوی‌تری بین این دو موضوع را برداشت کرد. درسند پایانی بیانیه سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱)، بر اهمیت آزادی، صلح، امنیت، احترام به انواع حقوق بشر از جمله حق توسعه، و حق استاندارد کافی زندگی شامل حق خوراک تصریح شده و بر اهمیت اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد حقوق بشری بین‌المللی و حقوق بین‌المللی تاکید شده است (Rio Outcome Document, para. 8 - 11).

بیانیه‌های سیاسی به‌طور معمول با اجماع تصویب و صادر شده‌اند و بسیاری از دولت‌ها به اسناد حقوقی بین‌المللی پیرامون هر دو موضوع پیوسته‌اند؛ بگونه‌ای که برخی جهان‌شمول شناخته می‌شوند. موضوع‌های مطرح در کلیه تبادل نظرها و مباحث مورد اشاره حول محور انسان، حقوق فردی و جمعی وی، راه‌های صحیح توسعه و

1. UNECE Convention on Access to Information, Public Participation in Decision-making and Access to Justice in Environmental Matters, so called: Aarhus Convention

2. Right-based

3. Public Basic Procedural Rights

حفاظت از محیط‌زیست بر روی کره‌زمین و اطراف آن است. نتیجه، بُروز پیشرفت‌های مهم جداگانه، حداقل در هنجارسازی، در هر زمینه یعنی توسعه‌پایدار، محیط‌زیست و حقوق بشر بوده است. اما چنانکه اشاره شد، رابطه بین عناصر حقوق بشر از جمله حق حیات و محیط‌زیست و توسعه کمتر مورد بحث قرار گرفته و یا اگر مذاکره‌ای انجام شده، به موفقیت‌هایی نایل شده است. نمونه آن را می‌توان در نتایج کنفرانس استکهلم در سال ۱۹۷۲ (۱۳۵۱)، کنوانسیون آرهوس، بررسی موضوع‌های محیط‌زیستی در دادگاه اروپایی حقوق بشر، پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق بشر آمریکایی، منشور حقوق بشر آفریقا، و نیز توجه بیشتر در قانون اساسی یا دیگر قوانین داخلی بسیاری از کشورها مشاهده کرد. در اینجا تلاش می‌شود اشاره‌ای به شماری از اسناد حقوقی بین‌المللی در زمینه حق حیات بشود.

۲- اسناد بین‌المللی حقوق بشری

برای روشن‌تر شدن رابطه بین حقوق بشر و محیط‌زیست، بررسی اسناد بین‌المللی حقوق بشری مصوب دولت‌ها در هفتاد سال گذشته درخور تامل است. در این چارچوب، سعی شده که موضوع‌های مربوط به محیط‌زیست، منابع طبیعی و حق حیات به‌عنوان معیارهایی موردکنکاش قرارگیرند. وفق اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ مصوب سال ۱۹۴۸ (۱۳۲۷)، هر کسی حق حیات و آزادی و امنیت دارد (Universal Declaration, Art. 3). در اعلامیه، اشاره‌ای صریح به موضوع محیط‌زیست یا منابع طبیعی نشده است. براساس میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲، همه مردم ممکن است برای دستیابی به اهدافشان، آزادانه از ثروت و منابع طبیعی خود بدون آسیبی به الزام‌های ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی و براساس نفع متقابل و حقوق بین‌الملل بهره‌برداری کنند. هیچکس نباید از وسیله امرار معاش خود محروم شود. هیچ چیزی در میثاق نباید بگونه‌ای تفسیر شود که حق ذاتی همه مردم در برخورداری و استفاده کامل و آزادانه از ثروت و منابع طبیعی‌شان را مختل کند. در ماده ششم میثاق یادشده،

¹. Universal Declaration of Human Rights

². International Covenant on Civil and Political Rights

از حق حیات به‌عنوان حق ذاتی انسان یاد شده است (ICCPR, Art. 2, 6 & 47). وفق میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۱، دولت‌های طرف میثاق باید به بهبود ابعاد بهداشت صنعتی و محیط‌زیستی بپردازند. هیچ‌چیزی در میثاق نباید بگونه‌ای تفسیر شود که حق ذاتی همه مردم به برخورداری و استفاده کامل و آزادانه از ثروت و منابع طبیعی‌شان را مختل کند. همه مردم ممکن است برای نیل به اهداف‌شان، آزادانه ثروت طبیعی و منابع خود را بدون آسیبی به الزام‌های ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی و بر اساس نفع متقابل و حقوق بین‌الملل بهره‌برداری کنند. هیچ‌کس نباید از وسیله امرار معاش خود محروم شود. دولت‌های طرف میثاق باید در راستای حق اساسی هرکس به گرسنه‌نبودن، در زمینه‌های روش تولید و حفاظتی و تولید خوراک و با انتشار دانش اصول تغذیه و با توسعه یا اصلاح سیستم‌های زمین به‌طریقی که توسعه موثر و بهره‌برداری از منابع طبیعی تحقق یابد، به اقدام‌های دست بزنند (ICESCR, Art. 1, 11, 12 & 25). بر اساس کنوانسیون حقوق کودک^۲، هر کودکی حق حیات دارد. دولت‌های طرف کنوانسیون باید با امراض و سوءتغذیه و ... از طریق ... با توجه به مخاطرات محیط‌زیستی مقابله کنند. دولت‌ها به‌منظور اعمال حق کودک باید تضمین کنند که کلیه بخش‌های جامعه دسترسی به آموزش داشته باشند و دانش اولیه راجع به ... بهداشت محیط‌زیست، و ... را داشته باشند. دولت‌های متعهد موافق‌اند که آموزش کودک باید متوجه ... و مراعات محیط‌زیست طبیعی باشد (CRC, Art. 6, 24 & 29). وفق کنوانسیون بین‌المللی حفاظت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های‌شان^۳، حق حیات کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های‌شان بوسیله قانون حفاظت خواهند شد^۴. در کنوانسیون حقوق افراد با معلولیت^۴، دولت‌های متعهد مکلف شدند که به حق حیات به‌عنوان حق ذاتی افراد معلول تصریح کنند^۷. اشاره به موضوع حق حیات که دارای دو بُعد حقوق بشری و محیط‌زیستی است، در اغلب اسناد

¹. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

². Convention on the Rights of the Child

³. Convention on the Protection of the Rights of all Migrant Workers and Members of their Families

⁴. Convention on the Rights of Persons with Disabilities

حقوق بشری وجود دارد و با گذشت زمان و تحول در اسناد ملی و بین‌المللی حقوق بشری بر شمار اشاره‌ها افزوده شده است.

۲-۱- مصوبه‌های کمیسیون حقوق بشر و شورای حقوق بشر

کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حفاظت از اقلیت‌ها وابسته به کمیسیون حقوق بشر تلاشی مفید اما بی‌نتیجه را برای روشن‌شدن رابطه بین حقوق بشر و محیط‌زیست شروع کرد. دلیل این تصمیم، زندگی بسیاری از اقلیت‌های قومی و مذهبی در مناطقی بود که از نظر محیط‌زیستی ضعیف محسوب شده یا محل دفن انواع پسماندهای خانگی یا سمی خطرناک است. کمیسیون فرعی در گزارشی در سال ۱۹۹۴ (۱۳۷۳) پیشنهاد صدور یک اعلامیه در زمینه اصول حقوق بشر و محیط‌زیست را داد که بسیار نزدیک به اصل اول بیانیه استکهلم بود (Report of the Special Rapporper of (the Sub-Commission, 1994^۷). چهار دلیل این تصمیم کمیسیون را می‌توان وضعیت نامساعد بسیاری از اقلیت‌های قومی و مذهبی در کشورها دانست که از شرایط محیط‌زیستی نامساعدی برخوردارند یا در دسترسی آنان به منابع طبیعی درمقایسه با جوامع دارای اکثریت، اصل عدالت و انصاف رعایت نمی‌شود. بعد از بررسی کارشناسی، درپیش‌نویس اعلامیه تصریح شده بود که اشخاص حق یک محیط‌زیست سالم و ایمن سازگار با نیازهای نسل‌های فعلی را دارند؛ وضعیتی که برای حقوق نسل‌های آینده زیان‌آور نباشد. این حقوق شامل رهایی از آلودگی، پرهیز از تخریب محیط‌زیست و فعالیتی است که بر محیط‌زیست یا توسعه پایدار اثر منفی گذارد، حفاظت از آب و هوا و خاک، تنوع زیستی و زیست‌بوم‌ها، دسترسی سالم به طبیعت، حفاظت و بهره‌برداری پایدار از طبیعت و منابع طبیعی، حفاظت از سایت‌های استثنایی (بی‌مانند) و برخورداری از زندگی سنتی مردم بومی می‌شد. گزارش کمیسیون فرعی همچنین به رابطه بین حق داشتن محیط‌زیست شایسته^۱، و حق توسعه پرداخت و اینکه حقوق بشر جدایی‌ناپذیر و به هم وابسته متقابل هستند. گزارشگر مذکور، پیش‌نویس اعلامیه کمیسیون را گذر از مرحله حقوق محیط‌زیستی به حق داشتن یک محیط‌زیست سالم و شایسته دانست.

^۱. Decent Environment

پیشنویس اعلامیه مورد اشاره به دلیل مخالفت نمایندگان برخی دولت‌ها، در جلسه کمیسیون تصویب نشد.

علاوه بر فعالیت‌های کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حفاظت از اقلیت‌ها، کمیسیون حقوق بشر و در ادامه فعالیتش شورای حقوق بشر قطعنامه‌هایی را در راستای روشن شدن زوایا و چگونگی اثرگذاری متقابل حقوق بشر و محیط‌زیست صادر کرده‌اند که بررسی ابعاد و نتایج این فرآیندها جالب توجه است. کمیسیون حقوق بشر با صدور قطعنامه‌ای^{vi} در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) زیرعنوان: «حقوق بشر و محیط‌زیست به مثابه بخشی از توسعه پایدار»^۱ از کمیساریای عالی حقوق بشر، یونپ، و برنامه عمران ملل متحد می‌خواهد که به هماهنگی فعالیت‌های مربوط به حقوق بشر و محیط‌زیست در زمینه رفع فقر، ارزیابی محیط‌زیستی دوران پس از جنگ و احیا و جلوگیری از بلایا ادامه دهند. شورای حقوق بشر نیز با تصویب دو قطعنامه^{vii} در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ (۱۳۸۷ و ۱۳۸۸) بر روی رابطه حقوق بشر و تغییر آب‌وهوا متمرکز شد و پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم تغییر آب‌وهوا بر برخورداری موثر از حقوق بشر را مورد توجه قرار داد. قطعنامه‌های یادشده همچنین محیط‌زیست را در برخورداری از حقوق بشر دارای اهمیت اساسی دانست. از دیگر تصمیم‌های درخور توجه شورای حقوق بشر در زمینه محیط‌زیست، صدور یک قطعنامه^{viii} در سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱) و طی آن انتصاب جان ناکس^۲ به عنوان «کارشناس مستقل» بود. ماموریت او مطالعه الزام‌های حقوق بشری مربوط به برخورداری از یک محیط‌زیست پایدار، سالم، پاک و ایمن؛ شناسایی و ارتقای و تبادل نظرات در مورد بهترین عملکردها؛ آماده‌کردن مجموعه‌ای از اقدام‌ها؛ انجام توصیه‌هایی برای کمک به تحقق اهداف توسعه هزاره به‌ویژه هدف شماره ۷ «پایداری محیط‌زیستی»؛ و در نظر گرفتن نتایج کنفرانس ریو+۲۰ برای کمک به یک دیدگاه حقوق بشری و پیگیری فرآیندها تعیین شد. در این راستا و در یک اقدام جدید در جهت ارتقای موقعیت ناکس و افزایش کارایی وی، شورای حقوق بشر با صدور قطعنامه‌ای^{ix} در

1. Human Rights and the Environment as Part of Sustainable Development

2. John Knox

سال ۲۰۱۴ (۱۳۹۳)، با تمدید ماموریت ناکس، عنوان «گزارشگر ویژه حقوق بشر و محیط زیست» را به وی اعطا کرد.

سخنرانی ناکس در نشست ۲۵ شورای حقوق بشر در تاریخ ۱۱ مارس ۲۰۱۴، بعد از دو سال انجام ماموریت به عنوان کارشناس مستقل درخور تامل است. وی با بیان اینکه هر حق انسانی می تواند با نابودی محیط زیست نقض شود، اذعان می کند که اعمال بسیاری از حقوق شناخته شده توسط دولت ها مانند حق حیات، سلامتی، خوراک، آب، و حتی حق سرنوشت با هم ارتباط دارند. مجموعه بدنه های حقوق بشری، یک رشته الزام های حقوق بشری و محیط زیستی را با سه عنصر اصلی دارا هستند که در مورد آنها توافق وجود دارد. آنها شامل اطلاع رسانی به عموم در مورد ارزیابی پیامدهای محیط زیستی، تسهیل شرکت عموم در تصمیم گیری های محیط زیستی از جمله در زمینه حفاظت از حق تجمع و حق بیان و فراهم آوردن دسترسی به راه حل های موثر برای آسیب های محیط زیستی است. وی اضافه می کند که بیشتر این گونه الزام ها محتوایی بوده و مربوط به حقوق سیاسی - مدنی است.

جان ناکس، در گزارش کتبی خود در سال ۲۰۱۶ به شورای حقوق بشر، به پیامدهای منفی تغییر آب و هوا بر اجرای الزام های دولت ها در زمینه رعایت حقوق بشر اشاره می کند و از آنها می خواهد که با حفاظت از محیط زیست از حقوق مردم به ویژه اقشار آسیب پذیر مراقبت کنند. در گزارش یاد شده، با اشاره به رای دادگاه حقوق بشر اروپا در مورد قربانیان رانش زمین در شهر تیرنوز ففقاژ^۱، آمده که دولت عامل واقعه نبوده اما مسئول است که با انجام اقدام هایی از جمله وضع مقررات مناسب برای جلوگیری از تهدید «حق حیات» در برابر بلایای طبیعی و فعالیت های انسانی خطرناک مبادرت ورزد (Knox Report, 2016: 10). گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر در گزارش سال ۲۰۱۷ خود در چارچوب الزام های حقوق بشری در رابطه با حفاظت و بهره برداری پایدار از تنوع زیستی، اهمیت خدمات زیست بومی و تنوع زیستی برای برخورداری از حقوق بشر را تشریح کرد. آقای جان ناکس در بخشی از گزارش خود زیر عنوان: «حق حیات و سلامتی»، به شماری از اسناد بین المللی حقوق بشری مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی سیاسی -

^۱. Tyrnauz

مدنی اشاره می‌کند که در آن حق حیات به‌طور صریح مطرح شده است. وی آنگاه نظر کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را منعکس می‌کند که وفق آن، خوراک سالم، تغذیه، مسکن، دسترسی به آب آشامیدنی و ایمن، دسترسی به بهداشت کافی، شرایط کاری ایمن، و محیط‌زیست سالم، در حق حیات موثر می‌باشند (Knox Reports, 2017: 5).

در قطعنامه مصوب شورای حقوق بشر در سال ۲۰۱۶، از فعالیت گزارشگر ویژه الزام‌های حقوق بشری در رابطه با برخورداری از محیط‌زیست ایمن، پاک و پایدار استقبال می‌شود. در قطعنامه تصریح می‌شود که توسعه پایدار و حفاظت از محیط‌زیست به آسودگی انسان‌ها و برخورداری از حقوق بشر کمک می‌کند. همچنین تاکید می‌شود که تغییر آب‌وهوا، مدیریت و استفاده ناپایدار از منابع طبیعی و مدیریت ناسالم مواد شیمیایی و پسماندها مانع برخورداری از محیط‌زیست ایمن، پاک و پایدار است و آسیب‌های محیط‌زیستی بر برخورداری کامل از حقوق بشر اثر منفی می‌گذارد. قطعنامه از دولت‌ها می‌خواهد حقوق بشر را از جمله در مواردی که مربوط به چالش‌های محیط‌زیستی می‌شود، رعایت کنند (HRC Resolution, 2016). از سخنان گزارشگر ویژه و مفاد قطعنامه‌های حقوق بشری اینگونه برمی‌آید که بدون داشتن یک محیط‌زیست پایدار، ایمن و پاک، بشر قادر به اجرای آمل خود و داشتن زندگی در یک سطح مطابق با استانداردهای حداقلی و کرامت انسانی نخواهد بود. دیگر آنکه رعایت حقوق بشر و حفاظت از محیط‌زیست تاثیر متقابل دارند و تحقق هر کدام موجب تقویت دیگری می‌شود.

۲-۲- کنوانسیون‌های منطقه‌ای حقوق بشر در آمریکا و آفریقا

در اینجا، به مفاد کنوانسیون‌های منطقه‌ای حقوق بشر در آمریکا و آفریقا نیز اشاره می‌شود، چراکه در مرحله پیشرفته‌تری در مقایسه با اسناد حقوقی منطقه‌ای حقوق بشری قرار داشته و در آنها بر حق داشتن محیط‌زیست سالم تاکید شده است. دولت‌های عضو سازمان کشورهای آمریکایی پس از چند دور مذاکره برای تدوین پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق بشر در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موسوم به «پروتکل

سان‌سالوادور^۱ به توافق رسیدند. مفاد پروتکل برحق دراختیارداشتن آزادانه ثروت و منابع طبیعی مردم تاکید می‌کند و وفق آن، هرکس حق دارد که دریک محیط‌زیست سالم زندگی کرده و به خدمات عمومی دسترسی داشته باشد. دولت‌های متعهد باید حفاظت و بهبود وضعیت محیط‌زیست را در دستور کار خود قرار دهند. سند مهم منطقه‌ای دیگر منشور حقوق بشر آفریقا است^۲ که در آن به ضرورت رعایت حق حیات افراد و کرامت انسانی اشاره شده است. وفق منشور، همه مردم حق دارند ثروت و منابع طبیعی‌شان را آزادانه در اختیار داشته باشند و (این حق) باید به نفع مردم اعمال شود. هیچ‌کس در هر شرایطی نباید از این حق محروم شود. در منشور همچنین آمده که اجرای حق یادشده باید بدون آسیبی به الزام‌های ناشی از ارتقای همکاری اقتصادی بین المللی، بر اساس احترام متقابل، مبادله‌ی برابر و اصول حقوق بین‌الملل صورت گیرد. وفق مفاد منشور، همه مردم حق دارند که از یک محیط‌زیست عمومی رضایت‌بخش در راستای توسعه‌شان برخوردار باشند.

۳- قوانین کشورها

بُروز تحول در رهیافت‌های محیط‌زیستی-حقوق بشری در برخی کشورها موجب تحول در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی شد که به برخی آنها در بالا اشاره شد. روشن است که تحول بین‌المللی نیز متقابلاً بر سیاست‌گذاری‌ها و اقدام‌ها در داخل بسیاری از کشورها موثر بوده است. البته تعیین دقیق حدود این اثرگذاری دشوار است چرا که از زبان‌های متفاوتی در قوانین داخلی در رابطه با محیط‌زیست استفاده شده است. علاوه بر آن، قانون اساسی هر کشوری به راحتی و در بازه‌های زمانی کوتاه امکان تغییر ندارند تا بتوان اثرات را مشاهده کرد. با در نظر داشتن این ملاحظات، در اینجا تنها اشاره‌ای کوتاه به چند قانون اساسی که مفاد حقوق بشری دارند، می‌شود. وفق قانون اساسی پرتغال، هرکس از حق یک محیط‌زیست سالم و

^۱. Additional Protocol to the Convention on Human Rights in the areas of Economic, Social and Cultural Rights, so called: San Salvador Protocol

^۲. African Charter on Human and Peoples' Rights

از نظر بوم‌شناختی متوازن برخوردار بوده و موظف به دفاع از آن است. وفق قانون اساسی اسپانیا، هر انسانی حق برخورداری از محیط‌زیست مناسب برای توسعه شخص و وظیفه حفظ آن را دارد. براساس قانون اساسی برزیل، هرکسی حق داشتن یک محیط‌زیست متوازن بوم‌شناختی را دارد که ذخیره استفاده مشترک برای کیفیت سالم زندگی است و دولت و جامعه وظیفه دارند که از آن برای نسل‌های فعلی و آینده دفاع و حفاظت کنند. مطالعه و مقایسه قوانین اساسی کشورها در رابطه با موضوع این نوشتار نشان می‌دهد که در قوانین اساسی ترکیه، کره جنوبی، هند، افریقای جنوبی و اتحادیه اروپا اشاره‌ای قوی به محیط‌زیست وجود دارد. در بسیاری از قوانین اساسی، مانند کشورهای هند، کره جنوبی و اتحادیه اروپا مسئولیت حفاظتی را بر عهده دولت می‌گذارند، بدون آنکه حقی محیط‌زیستی برای افراد قایل باشند. در قوانین اساسی اسپانیا، ترکیه، روسیه و افریقای جنوبی به‌نوعی به‌حق‌داشتن محیط‌زیست کیفی معتقدند که البته میزان و حدود آن بستگی به تفسیر قوانین اساسی آنها دارد.

۴- حق طبیعت

دراشاره به حق‌حیات، مناسب خواهد بود راجع به «حق طبیعت»^۱ نیز مطلبی آورده شود. واژه «حق طبیعت» هنوز وارد اسناد رسمی حقوق بشری یا محیط‌زیستی بین‌المللی نشده است و هنوز درحد یک انگاره است. این واژه ازسوی برخی فعالان غیردولتی محیط‌زیستی و حقوق بشری درمحافل دانشگاهی مطرح شده، اما هنوز ابعاد آن مشخص نبوده و مورد پذیرش عمومی دولت‌ها قرار نگرفته است. حق طبیعت، حقی است که کلیه موجودات جان‌دار و بی‌جان بر روی گُره‌زمین، به‌جز انسان، را دربر می‌گیرد و از گستره وسیعی برخوردار است و ازاین‌رو در برابر حقوق مربوط به انسان قرار می‌گیرد. بر مبنای آن، انسان حق دست‌اندازی بی‌رویه و گسترده به چرخه طبیعت را ندارد. از نظر پیروان «جامعه دموکراتیک اکولوژیک»، باید سیاست‌ها از

^۱. Right of Nature

حالت انسان محوری به زیست‌محور تبدیل شده و حقوق طبیعت و عناصر غیرانسانی را نیز شامل شوند. در این راستا می‌توان از ساخت سدهای بزرگ، انتقال حجم بالای آب از یک حوزه آبریز به حوزه دیگر، قطع وسیع درختان، نابودی مراتع، ایجاد موانع بزرگ در مسیر جریان‌های آب، و آلوده کردن آب‌های دریاها و اقیانوس‌ها و تالاب‌ها، ادامه انتشار گازهای گلخانه‌ای در حجم گسترده، و نابودی گونه‌های گیاهی و جانوری به عنوان اقدام‌های در جهت پایمال شدن حقوق برخی از مردم نام برد. بر اساس این دیدگاه، حق حیات در مورد اجزای طبیعت نیز صادق است و انسان باید اجازه دهد چرخه‌های طبیعی هم‌کنشی مورد نیاز خود را داشته باشند. بشر جزیی از طبیعت است و همانند سایر موجودات باید در حدود خود زندگی کرده و ازدست‌اندازی تخریب‌آمیز به طبیعت پرهیز کند. به نظر می‌رسد تا پذیرش احتمالی انگاره حق طبیعت توسط جامعه بین‌المللی راه درازی در پیش باشد.

۵- آرای محیط‌زیستی مراجع قضایی

یکی از راه‌های روشن‌ساختن رابطه بین محیط‌زیست و حقوق بشر، بررسی آرا و رویه‌های قضایی در مراجع صلاحیتدار منطقه‌ای و بین‌المللی است. مراجع قضایی در چارچوب وظایف قانونی محول شده به شکایت‌ها رسیدگی کرده و در نهایت به قضاوت پیرامون موضوع‌های مورد مناقشه و اختلاف بین طرف‌های بهره‌بردار می‌پردازند. بدیهی است که اجرای احکام صادر شده برای کلیه طرف‌های درگیر الزامی است. در این نوشتار قصد بر آن است که وضعیت آرا و نظرهای دو مرجع قضایی منطقه‌ای و بین‌المللی شامل دادگاه اروپایی حقوق بشر^۱ و دیوان بین‌المللی کیفری^۲ مورد بررسی قرار گیرند. درخور توجه آنکه در دعاوی و آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر، مفاد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تعیین‌کننده است و در فعالیت‌های دیوان بین‌المللی کیفری، مفاد اساسنامه دیوان، مشهور به اساسنامه رُم^۳، مرجع است.

^۱ . European Court on Human Rights

^۲ . International Criminal Court

^۳ . Rome Statute of the International Criminal Court

۵-۱- دادگاه اروپایی حقوق بشر

دلیل انتخاب دادگاه اروپایی حقوق بشر از میان مراجع قضایی کنونی منطقه‌ای آنست که فعالیت آن از قدمت، نظم و تنوع بیشتری برخوردار است. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸) برای کلیه دولت‌های متعهد لازم‌الاجرا و در همان سال ۱۹۵۹ دادگاه اروپایی حقوق بشر تاسیس شد. به تدریج ابزارهای حقوق بشری منطقه‌ای دیگری در سایر مناطق جغرافیایی مانند امریکای لاتین هم شکل گرفتند. جالب توجه آنکه بیشتر پرونده‌های تشکیل شده در چند دهه اول آغاز به کار دادگاه، مربوط به آزادی‌های فردی، مانند آزادی تجمع و بیان و افکار، حق مالکیت و دارایی، حق زندگی بود.

در کنوانسیون ۵۹ ماده‌ای اروپایی حقوق بشر نشانه‌ای صریح از اهمیت محیط‌زیست مانند حق برخورداری از یک محیط‌زیست سالم برای زندگی یا موضوع‌های دیگری که به نحوی مستقیم به محیط‌زیست مربوط شود برای اروپای اواسط قرن بیستم یافت نمی‌شود. کلیه قسمت‌های متن، تنها به حقوق افراد به صورت فردی یا جمعی اختصاص دارد و منعکس کننده تلاش شهروندان اروپایی در آن زمان به حفاظت از حقوق خود در قبال دولت‌های متبوع بوده است. حتی کمیسیون اروپایی حقوق بشر در یک تصمیم اولیه عنوان کرده که هیچ حقی نسبت به حفظ طبیعت در میان حقوق و آزادی‌های تصریح نشده و بوسیله کنوانسیون تضمین نشده است. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد رسیدگی دادگاه به دعاوی مربوط به محیط‌زیست به این دلیل صورت گرفته که رعایت‌نشدن ملاحظات محیط‌زیستی می‌تواند منجر به تحلیل رفتن دیگر حقوق شهروندان شود و از این رو بهتر است در حد ممکن رعایت شده و در هنگام صدور احکام مورد توجه قضات باشد. با وجود چنین شرایط اولیه ضعیفی در رابطه با حق مردم در برخورداری از یک محیط‌زیست سالم، اروپا به تدریج به موضوع محیط‌زیست در بازه زمانی قبل و بعد از کنفرانس استکهلم حساس‌تر شد و واقعیت رابطه بین محیط‌زیست و حقوق بشر را کم‌کم به رسمیت شناخت. چنانچه مشاهده شد، این روند، زیان‌ها و تنگناهای بسیاری برای شرکت‌ها و اقتصاد کشورهای متعهد ایجاد کرد و از این رو همواره با مقاومت بخش‌های اقتصادی روبرو بود. در اینجا، به شماری از دعاوی محیط‌زیستی

ارجاعی به کمیسیون اروپایی حقوق بشر و احکام صادره توسط دادگاه با استناد به مفاد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اشاره می شود (Mensah, 2000). ناگفته نماند که وفق مقررات، شاکی ها موظفند بعد از ارجاع موارد شکایت به نهادهای مسئول داخلی و در صورت نارضایتی و ناامیدی از احکام صادره ملی، در دادگاه اروپایی پرونده ای گشوده و تظلم خواهی کنند.

در قضیه پاول و راینر در سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹)^۱، شاکیان دارای ملکی در نزدیکی فرودگاه هیتروی لندن بوده و با استناد به مواد (۱) شش، هشت و ۱۳ کنوانسیون و ماده یک پروتکل یک، صدای بلند هواپیماها را آزاردهنده عنوان کردند. کمیسیون همه استنادات را به دلیل ضعف رد کرد و فقط ماده ۱۳ کنوانسیون را وارد دانست. براساس ماده یک پروتکل یکم، هر کسی دارای حق برخورداری از مالکیت و دارایی است. توضیح دیگر آن که وفق ماده ۱۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر زیرعنوان: «حق جبران موثر»، هر کس که حق و آزادی اش بگونه ای که در این کنوانسیون آمده نقض شود، باید به طور موثر توسط مقام مسئول ملی جبران شود، مگر اینکه آن نقض توسط یک شخص در ظرفیت رسمی صورت گرفته باشد. دادگاه با اشاره به قانون هوانوردی ۱۹۸۲ که پرداخت بابت آزار هواپیما را در شرایط مشخص رد کرده است، برقراری توازن منصفانه بین منافع در حال رقابت شخص و جامعه را ضروری دانست. همچنین عنوان شد که عملیات یک فرودگاه بزرگ یک هدف مشروع دارد و پیامدهایی منفی بر روی محیط زیست که نمی تواند به طور کامل حذف شود. دادگاه در نهایت ماده ۱۳ را نقض نشده دانست.

در قضیه زاندر در سال ۱۹۹۴ (۱۳۷۳)^۲، شاکیان ملکی در کنار شرکت فعال در زمینه پسماندهای خانگی و صنعتی داشتند. بررسی ها، مقادیر زیادی ماده سیانید را در چاه های منطقه نشان می داد. مالکین واحدهای مسکونی در منطقه با درخواست گسترش عملیات دفن پسماندها توسط شرکت مخالف بودند. دادگاه محلی و دولت به درخواست شرکت پاسخ مثبت داده و شکایت مردم را رد کردند. دادگاه اروپایی حقوق بشر، نقض ماده (۱) ۶ کنوانسیون را تشخیص داد. براساس ماده یادشده در کنوانسیون،

1. Rayner v. UK Case

2. Zander v. Sweden Case

در تعیین حقوق مدنی و الزام‌های آن یا هر اتهام کیفری، فرد باید از یک جلسه استماع عمومی در مدتی معقول به‌وسیله یک تشکیلات دآوری بی‌طرف و مستقل وفق قانون برخوردار باشد. بدیهی است که نتیجه قضاوت (با استثنای) اعلام عمومی می‌شود.

در قضیه لوپز آسترا در سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴)^۱، خانواده لوپز در منطقه لورکا و در نزدیکی مجموعه‌ای از کارخانه‌های چرم و یک واحد پسماند بدون گواهینامه زندگی می‌کردند. صدای ناشی از کارخانه و نزدیکی آن به خانه‌ها، برای ساکنین آزاردهنده بود. در اثر شکایت مردم به نهاد مسئول محلی به دلیل نقض حقوق‌شان و تایید نارسایی‌ها توسط مسئولین محیط‌زیست، تنها یکی از واحدها تعطیل شد. خانواده لوپز به دلیل ادامه مشکلات، محل مسکونی خود را تغییر داد. با ادامه شکایات در چندسال، واحدهای پسماند با حکم قانونی تعطیل شدند. اما خانواده لوپز با ادعای قربانی شدن در این واقعه، نقض حقوق، آسیب دیدن زندگی خصوصی، و روبرو شدن با برخوردهای تحقیرآمیز به شکایت ادامه داد. دادگاه پس از بررسی مورد شکایت، نقض ماده ۸ کنوانسیون و نقض نشدن ماده ۳ کنوانسیون را تشخیص داد و مخالفت‌های اولیه دولت متبوع شاکی را رد کرد. وفق ماده ۸ کنوانسیون، هیچکس نباید در معرض شکنجه یا برخورد و مجازات تحقیرآمیز قرار گیرد. براساس ماده ۳ کنوانسیون، هرکسی حق دارد که زندگی خصوصی، زندگی خانواده، و تماس‌هایش رعایت شود. درقضیه سال ۱۹۹۸ (۱۳۷۷) با عنوان: بالمر شافروت و دیگران^۲، وی در پنج کیلومتری یک نیروگاه هسته‌ای در کانتون برن زندگی می‌کرد. شرکت متولی نیروگاه خواهان تمدید فعالیت واحد تابعه برای مدتی نامشخص و افزایش تولید ده درصدی شد. بالمر شکایت‌نامه‌ای تنظیم و با انتشار آن، خواهان پیوستن دیگران شد. تعداد ۲۸ هزار اعتراض، شامل ۲۱ هزار اعتراض از آلمان و اتریش ثبت شد. در واکنش به آن، شورای فدرال سوییس مجوزهای درخواستی شرکت را صادر و مخالفت‌ها را به دلیل بی‌اساس بودن رد کرد. دادگاه پس از بررسی شکایت، مواد ۶ و ۱۳ کنوانسیون را نقض شده دانست.

^۱ Lopez Ostra v. Spain Case

^۲ Balmer-Schafroth & Others v. Switzerland Case

در قضیه سال ۱۹۹۸ (۱۳۷۷) مشهور به گرا^۱، مجموعه‌ای از چهل شکایت از سوی مردم ساکن مان فردونیا که در یک کیلومتری کارخانه شیمیایی متعلق به شرکت مالک کارخانه زندگی می‌کردند به مقام‌های محلی رسید. این کارخانه با ویژگی «مخاطرات بالا» ثبت شده بود. دادگاه محلی تاحدودی شکایات را قبول کرد. اما مردم با بیان اینکه اقدام مقتضی صورت نگرفته و اطلاعات لازم برای مقابله با پیامدهای سوء مخاطرات منتشر نشده به شکایت خود ادامه دادند. کمیسیون اروپایی ابراز داشت که دولت باید اطلاعات لازم را برای عموم جمع‌آوری، پالایش و منتشر کند؛ در غیر این صورت ماده ۱۰ کنوانسیون نقض شده است. اطلاعات عمومی یک ابزار ضروری برای حفاظت از رفاه عمومی و سلامتی مردم در معرض مخاطرات محیط‌زیستی است. دادگاه اروپایی حقوق بشر ماده ۱۰ کنوانسیون را بی‌ربط و ماده ۸ کنوانسیون را نقض شده دانست و بر مراعات زندگی خانوادگی و خصوصی مردم تأکید کرد. دادگاه همچنین استناد شاکی‌ها به ماده ۲ کنوانسیون را غیر ضرور تشخیص داد. وفق ماده ۲ کنوانسیون، هر کسی برخوردار از حق زندگی (حق حیات) بوده و باید بوسیله قانون حمایت شود. وفق ماده ۱۰ کنوانسیون، هر کسی حق آزادی بیان دارد، می‌تواند عقایدی داشته باشد و اطلاعات و انگاره‌هایی بدون دخالت مقام مسئول عمومی دریافت کند.

در قضیه مشهور به آتاناسوگلو در سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹)^۲، دوازده نفر خانم و آقا در نزدیکی یک نیروگاه هسته‌ای زندگی می‌کردند. شرکت مسئول نیروگاه تقاضای تمدید گواهینامه برای مدتی نامحدود را می‌کند. مردم شکایت کردند که شرکت استانداردهای ایمنی جاری را رعایت نمی‌کند. شورای فدرال اتهامات را رد کرد. در حالیکه در مورد این تصمیم تقاضای تجدیدنظر نشد، شکایت‌کنندگان در دادگاه اروپایی حقوق بشر ادعا کردند که آن‌ها از دسترسی به دادگاه و جبران موثر منع شده‌اند. دادگاه اروپایی حقوق بشر مواد (۱) ۶ و ۱۳ کنوانسیون را نقض شده ندانست. مفاد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر موضوع‌های محیط‌زیستی را در بر نداشت و مواردی انگشت‌شمار از شکایت‌های مربوط به محیط‌زیست نیز با افزایش حساسیت‌های عموم و دولت‌ها نسبت

1. Guerra & Others v. Italy Case

2. Athanassoglou & Others v. Switzerland Case

به آن و نیز بالا رفتن سطح استانداردهای اروپایی به‌ویژه در زمینه‌های انبارسازی پسماندهای خانگی و مخاطرات ناشی از آن، به تدریج در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی مطرح شد. کمیسیون به این نتیجه رسید که آلودگی‌هایی مانند صدا و دود ممکن است حق زندگی خصوصی و خانه و اموال شخصی را مورد تعرض قرار دهد. در این رابطه، قضیه آراندل که در زیر توضیح داده شده، درخور تامل است. دلیل برداشت جدید آنست که جامعه اروپایی همواره تلاش کرده متناسب با نیازهای روز حرکت کند و در این چارچوب برداشت‌ها از مفاد کنوانسیون نیز استثنا نبوده و تحولی را به همراه داشته است. به عبارت دیگر، کنوانسیون در رابطه با اجتماع و نیازهای آن باید به‌عنوان یک «ابزار زنده»، و نه یک ابزار گند قدیمی عمل کند. از این رو، موضوع قانون موردی^۱ مطرح شد تا بدین طریق حفاظت از محیط‌زیست با استفاده از مفاد فعلی کنوانسیون در دستورکار قرار گیرد. برای پیشبرد این سیاست دو راه زیر به نظر می‌رسد:

الف) به‌عنوان بخشی از حقوق شخصی، که در این رابطه از میان حقوق شناخته شده در کنوانسیون می‌توان به حق حیات (ماده ۲)، حق مراعات زندگی خصوصی و خانه (ماده ۸)، و حق مالکیت و دارایی (ماده یکم پروتکل اول) اشاره کرد. البته از این روش وقتی می‌توان استفاده کرد که «قربانی شدن» شخص توسط دادگاه محرز شود.

ب) اعمال محدودیت مشروع در حقوق فردی یادشده، به‌گونه‌ای که توازن بین منافع و حقوق عموم از یک سو و حقوق فرد از سوی دیگر برقرار شود. در این چارچوب، باز مثال‌هایی از قضایای مطرح در دادگاه اروپایی حقوق بشر بشرح زیر آورده می‌شود:

در قضیه گوناریدیس در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷)^۲، افراد شاکی اظهار داشتند که ساخت یک جاده در اطراف‌شان باعث نقض حقوق آنان وفق ماده ۸ کنوانسیون شده است. کمیسیون در واکنش، اظهار داشت که اتکای تنها به خسارت محیط‌زیستی به‌علت ساخت یک جاده کافی نیست و شاکی‌ها نمی‌توانند ادعای قربانی شدن و نقض مفاد کنوانسیون را بکنند. با این نظر، رسیدگی به پرونده متوقف شد. در قضیه تویرا در سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴)^۳، شاکی‌ها ادعا کردند که حق حیات، زندگی خصوصی و اموال آنان

^۱. Case-law

^۲. Gounaridis & Others v. Greece Case

^۳. Taura & Others v. France Case

به دلیل آزمایشات هسته‌ای فرانسه در اقیانوس آرام در سال ۱۹۹۵ نقض شده است. کمیسیون پاسخ داد که شاکی‌ها از منطقه آزمایش شده آنقدر دور بوده‌اند که نمی‌توانند ادعا کنند بطور مستقیم متاثر از آزمایشات بوده‌اند و بدینوسیله شکایت آنان رد شد.

در قضیه آراندل^۱، شاکی ادعا می‌کند که به علت سکونت در نزدیکی باند فرودگاه گاتویک لندن و نیز یک بزرگراه، سلامت او بوسیله صدای زیاد هواپیما و وسایل حمل و نقل در بزرگراه به خطر افتاده است. وی همچنین ادعا می‌کند که حق زندگی خصوصی و حق مالکیت او خدشه دار شده است. کمیسیون به طور تلویحی پذیرفت که شکایت وفق مواد ۸ کنوانسیون و ماده یکم پروتکل اول را بررسی کند. در نهایت موضوع بدین گونه حل و فصل شد که دولت تفاوت قیمت بین یک خانه بدون صدا و با صدا را به وی پرداخت کند.

در قضیه آنریلدیز^۲، شکایتی در مورد پیامدهای بروز انفجار گاز در تاسیسات مربوط به پسماند شهرداری و پیامدهای آن بر سلامت و حق حیات مردم تسلیم دادگاه شد. دادگاه در این رابطه نقض ماده ۲ کنوانسیون را تشخیص داد و تصریح کرد که وفق ماده ۲(۱) دولت‌ها باید از گرفتن غمدی یا غیرقانونی جان انسان خودداری و حق حیات را به طور کلی تضمین کنند. همچنین از دولت‌ها خواسته که در برخی شرایط مشخص قدم‌های مناسبی برای تضمین جان مردم در قلمرو خود بردارند.

در قضیه اوهنیمی در سال ۱۹۹۳ (۱۳۷۲)^۳، تعدادی از مالکین اطراف دریاچه و رودخانه‌ای در فنلاند شکایتی تسلیم کردند که حقوق خصوصی و مالکیت آنان در اثر برنامه‌های جدید حفاظتی مسئولین محلی نقض شده است. کمیسیون قبول کرد که برنامه محدودیت‌هایی را در زمینه حقوق فردی شاکی‌ها اعمال کرده است. کمیسیون در عین حال اعلام کرد که باید توازن بین منافع ناشی از اجرای برنامه و در نتیجه منفعت کلی جامعه در حفظ محیط زیست و حقوق فردی وجود داشته باشد. در قضیه فوتیادس در سال ۱۹۹۸ (۱۳۷۷)^۴، شاکی تحت ماده یک پروتکل یکم از اقدام‌ها و

1. Arrondelle v. United Kingdom Case

2. Oneryildiz v. Turkey Case

3. Uuhiniemi & Others v. Finland Case

4. Photiades Ltd. v. Cyprus Case

قوانین متعدد در قبرس در اعمال محدودیت در حق مالکیتش به منظور حفاظت از طبیعت شکایت کرده و اینکه دولت توسعه دارایی‌های وی را به جز برای کار به‌گونه‌ای که به ویژگی‌های منطقه آسیب نرساند، ممنوع کرده است. کمیسیون ضمن تایید نظر دادگاه عالی قبرس تحت ماده یکم پروتکل اول، شکایت را نپذیرفت؛ چراکه زمین در یک منطقه مهم اکولوژیک و محیط‌زیستی واقع شده بود. دادگاه نیز حکم کرد که مالک باید نسبت به کاشت درخت در منطقه اقدام کند.

در قضیه‌ای دیگر با عنوان: چپمن در سال ۲۰۰۱ (۱۳۸۰)^۱، یک خانم از اقلیت کولی در انگلیس ضمن ابراز ناامیدی از مراجع صلاحیت‌دار انگلیسی، خواستار احقاق حقوق خود به‌عنوان فردی از یک اقلیت و راه‌اندازی تعدادی کاروان به‌طور ثابت در زمین خود به سبک زندگی سنتی، با اشاره به حق زندگی با خانواده‌اش، ملاحظه امنیتی و با استناد به ماده ۱ پروتکل یکم، و مواد ۸ و ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شد. این درحالی بود که مقام‌های محلی با اقدام وی به دلیل محل خاص زمین و ملاحظات محیط‌زیستی مخالفت می‌کردند. دادگاه اروپایی نظر داد که جزو اقلیت بودن شاکی و درخواست وی برای راه‌انداختن یک زندگی به‌سبک سنتی، باعث نمی‌شود که قانون کلی برای حفظ محیط‌زیست منطقه جاری نشود. دادگاه تایید کرد که تصمیم مقام‌های صلاحیت‌دار منطقه بعد از بررسی منافع گوناگون فردی و جمعی و برای ایجاد توازن بین آنها صورت گرفته است. در صدور احکام مربوط به دعاوی بالا باز حفاظت از محیط‌زیست مورد توجه دادگاه بوده است. دادگاه از یک سو تلاش کرده آن‌دسته از ملاحظات محیط‌زیستی که در رابطه با حق حیات معنا پیدا می‌کنند، قربانی برخی حقوق دیگر همانند حق رعایت زندگی خصوصی و خانه و حق مالکیت و دارایی مانند قضایای اوهنیمی و فوتیادس نشود. از سوی دیگر دادگاه به ملاحظات محیط‌زیستی در برابر ناملایمات ناشی از اقدام‌های توسعه‌ای مانند قضایای توپرا و گونادیریس کمتر توجه کرده و بین حقوق فردی و حقوق عمومی توازن برقرار کرده است. در بررسی دعاوی مورد اشاره، نکات درخور توجه دیگری نیز به چشم می‌خورد. ملاحظه می‌شود که در جریان رعایت منافع و حقوق عمومی برای برقراری توازن با حقوق فردی، فعالیت‌های توسعه‌ای مغایر با سلامت

^۱. Chapman v. Turkey Case

محیط زیست برنده اصلی می باشند و می توانند از پوشش حقوق جمعی برای ادامه وضعیت مانند سروصدای هواپیما، ساخت جاده یا انفجار هسته‌ای بهره ببرند. دیگر اینکه در جریان حفظ حقوق عمومی مربوط به فعالیت‌های توسعه‌ای و داشتن دارایی خصوصی، آیا حق حیات همان عموم نقض نمی‌شود؟ نکته دیگر، حق خود طبیعت است که در احکام کمتر مورد توجه قرار گرفته یا اصلاً مورد توجه قرار نگرفته است. به عنوان مثال، در قضیه توپرا که ادعای خسارت شاکی‌ها به دلیل دور بودن از محل انفجار هسته‌ای رد می‌شود، آیا دادگاه خسارات وسیع و محاسبه‌نشده‌ی وارد شده توسط انفجار و بوسیله انسان (در اینجا دولت فرانسه) به محیط زیست دریایی را در هنگام صدور حکم در نظر داشته است؟ کلیه شواهد نشان می‌دهد که هنوز به دورانی که خسارت‌های وارده توسط انسان به محیط زیست دریایی آب‌های آزاد محاسبه و به‌طور قانونی بازخواست شود، فرا نرسیده است. نکته درخور توجه دیگر در قضایای محیط زیستی اشاره شده در بالا آنست که در یک طرف دعوا فرد/افراد و در طرف دیگر دولت متبوع شاکی/شاکیان قرار داشتند و به ندرت دولت‌ها در زمینه محیط زیست برضد یکدیگر به دادگاه اروپایی حقوق بشر اقامه دعوا کرده‌اند. از این رو، شکایت دولت قبرس در سال ۱۹۹۴ (۱۳۷۳) از دولت ترکیه به خاطر تخریب عمدی و ارباب محیط فرهنگی، انسانی، طبیعی و شرایط زندگی در شمال قبرس با اسکان تعداد زیادی از مردم ترک درخور توجه است. در این مورد^۱ دولت قبرس ادعا کرد که بر اثر اقدام‌های دولت ترکیه، حق افراد بی‌خانمان شده در شمال جزیره به دلیل رعایت نشدن زندگی خصوصی و خانه‌شان نقض شده است. پس از بررسی، دادگاه دلایل دولت قبرس را رد نکرد و در عین حال لازم ندانست که موضوعی که در آن نقض ماده ۸ کنوانسیون روشن بوده و افراد بی‌خانمان شده نتوانند به شمال قبرس برگردند را بررسی کند.

۵-۲- دیوان بین‌المللی کیفری

دیوان بین‌المللی کیفری^x تاکنون برای پرونده‌های اتهامی مربوط به ۳۹ نفر کیفرخواست صادر کرده است. صلاحیت رسیدگی قضایی دیوان محدود به چهار زمینه: (۱) جرایم مربوط به نسل کشی، (۲) جرایم علیه بشریت، (۳) جرایم جنگی، و (۴) جرایم

^۱. Cyprus v. Turkey Case

مربوط به تجاوز می‌شود.^{xi} در متن اساسنامه رُم موضوع محیط‌زیست به‌طور مستقل لحاظ نشده و دست‌اندازی گسترده مخرب به آن به‌طور صریح به‌عنوان یک جرم تلقی نشده است. در اساسنامه، تنها یک‌بار به لغت محیط‌زیست اشاره شده که در رابطه با جرایم جنگی است. باوجود آن، بخش‌هایی از اساسنامه می‌تواند توجیه لازم برای رسیدگی به جرایم محیط‌زیستی توسط دیوان در زمان صلح را نیز فراهم سازد. کنکاشی در مفاد اساسنامه رُم می‌تواند به درک بهتر فعالیت‌ها و آرای دیوان در رسیدگی به دعاوی مطرح شده کمک کند. در ماده هشتم، تخریب وسیع و تخصیص دارایی‌ها که بوسیله الزام‌های نظامی امکان توجیه نباشد، جزو جرایم جنگی تلقی شده است.^{xii} جرایم جنگی همچنین به مواردی گفته می‌شود که در آن بتوان یک حمله عمدی با علم به از دست‌رفتن زندگی (جان افراد)، جراحت غیرنظامی‌ها یا موجب زیان به اموال غیرنظامی یا وارد شدن آسیب سخت، درازمدت و گسترده به محیط‌زیست طبیعی برای نیل به دستاوردهای نظامی مشخص و مستقیم را پیش‌بینی کرد.^{xiii} در ماده هفتم مربوط به جرایم علیه بشریت آمده است که «اخراج یا انتقال قهرآمیز جمعیت» جزو جرایم علیه بشریت محسوب می‌شود.^{xiv} در همان ماده، توضیح داده شده که معنای اخراج یا انتقال زورمدارانه جمعیت، جابجایی توأم با زور اشخاص با اخراج از منطقه‌ای که در آن به‌طور قانونی زندگی می‌کنند، بدون اینکه زمینه مجازی (برای انتقال) در چارچوب حقوق بین‌الملل وجود داشته باشد.^{xv} چنانچه مشاهده می‌شود، در مواد اشاره‌شده از دست‌رفتن جان افراد یا وارد شدن جراحت بر اثر حمله و تخریب گسترده محیط‌زیست و نیز جابجایی قهرآمیز جمعیت و از دست‌رفتن دارایی‌ها جزو جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی محسوب شده و محاکمه مرتکبین در صلاحیت دیوان است. بدین ترتیب می‌توان با برداشت ضرورت رعایت حق حیات و حق برخورداری از دارایی و مالکیت توسط افراد در اساسنامه رم، هرگونه اقدام گسترده در آسیب‌رسانی به محیط‌زیست را مغایر با حقوق یادشده تلقی کرد. در بیست‌وپنج قضیه رسیدگی شده یا در جریان رسیدگی در دیوان بین‌المللی کیفری، مواردی نادر وجود دارد (Site of ICC, 2018) که در آن به نوعی محیط‌زیست و میراث فرهنگی مورد توجه بوده که در اینجا به شماری از آنها اشاره می‌شود.

در قضیه احمد الفقی المهدی^۱، تبعه مالی، وی متهم به همکاری با القاعده بود و پس از محاکمه به دلیل ارتکاب جرایم جنگی گناهکار شناخته شده و در سال ۲۰۱۶ (۱۳۹۵) به نه سال زندان محکوم شد. از جمله جرایم وی، حمله به شهر تیمبوکتو^۲ و تخریب ساختمان‌ها و مراکزی در سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱) بود که جزو میراث فرهنگی کشور مالی محسوب می‌شد. در مراکز یادشده اهداف نظامی وجود نداشت و ویژگی‌های تاریخی و مذهبی دلیل تهاجم و تخریب آنها بوده است. تخریب مراکز فرهنگی یادشده برای جمعیت محلی موضوعی جدی بوده است.

در قضیه عبدالرحیم محمد حسین^۳ در مقام وزیر دفاع ملی سودان، وزیر سابق کشور و نماینده ویژه رئیس‌جمهور در دارفور، وی در سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱) تحت تعقیب دیوان قرار گرفت که هنوز دستگیر و محاکمه نشده است. در اتهامات منسوب به وی، هفت جرم علیه بشریت شامل: تجاوز جنسی، قتل، آزار، زندانی کردن و محرومیت شدید از آزادی، شکنجه، انتقال اجباری، و دیگر اقدام‌های غیرانسانی مانند وارد کردن از روی قصد رنج، زخم جدی به بدن یا سلامت جسمی و روحی اشخاص انجام داده است. در شش جرم جنگی علیه متهم نیز قتل، حمله علیه جمعیت غیرنظامی، تخریب دارایی‌ها، تجاوز، غارتگری و آسیب‌رسانی به کرامت فردی مطرح شده است. چنانکه مشخص است، در اتهامات مربوط به محمد حسین، علاوه بر قتل، تجاوز جنسی، و ... مواردی مانند حمله به دارایی‌ها و آسیب‌رسانی به سلامت جسمی و روحی افراد وجود دارد. بدین معنا که متهم با اقدام خود به نوعی وضعیت طبیعی و محیط اطراف افراد را مورد تعرض قرار داده که در کیفرخواست جزو جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی تعریف شده‌اند.

در قضیه اوهورو موگای کنیاتا^۴ تبعه کنیا، وی در سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰) به اتهام کمک به حملات تبهکارانه یک سازمان داخلی به نام مونگیکی^۵ به قومیت‌های دیگر در جریان مبارزات انتخاباتی کنیا از سوی دیوان فراخوانده شده و محاکمه شد. از اتهامات وی، پنج جرم علیه بشریت در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸ (۱۳۸۶ تا ۱۳۸۷) در جریان

1. Ahmad Al Faqi Al Mahdi Case

2. City of Timbuktu

3. Abdel Raheem Muhammad Hussein Case

4. Uhuru Muigai Kenyatta Case

5. Mungiki Organization

خشونت‌های پس از انتخابات در کشور متبوع وی بود. پس از محاکمه به اتهام قتل، اخراج و انتقال قهرآمیز جمعیت، تجاوز جنسی، آزار و دیگر اقدام‌های غیرانسانی، وی بی‌گناه شناخته شد و در سال ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) تبرئه و آزاد گردید.

در قضیه ویلیام سامویی روتو و جوشوا اراب سانگ^۱ از اتباع کنیا، آنها متهم به قتل 230 نفر از مردم، اذیت و آزار و انتقال قهرآمیز یک جمعیت ۵۰۰۰ نفره از مردم در منطقه ناندی^۲ در کشور کنیا بوده که جزو جرایم علیه بشریت محسوب می‌شوند. دیوان پس از بررسی‌های مکرر به این نتیجه رسید که شواهد به اندازه کافی محکم‌پسند نیست تا محاکمه صورت پذیرد. آنگاه دیوان، دستور آزادی متهمان را صادر کرد و پرونده را برای اعلام دعوی و رسیدگی احتمالی در آینده بازگذارد. در ارزیابی قضایای تحت‌رسیدگی یا رسیدگی‌شده در دیوان بین‌المللی کیفری می‌توان جرایم تعریف‌شده‌ای چون «انتقال قهرآمیز جمعیت» و «تخریب دارایی‌ها» را دید که دارای ارتباط نسبی با محیط‌زیست هستند. منظور از انتقال جمعیت، جابجایی جمعیت بومی یک منطقه است و معمولاً یکی از اهداف انتقال قهرآمیز جمعیت تغییر کاربری محل زندگی به صورتی متفاوت نسبت به دوران قبل از جابجایی است. از آنجایی که جمعیت‌های بومی هر منطقه به طور معمول و برای هزاران سال حافظان زیست‌بوم‌های طبیعی خود بوده‌اند، احتمال آسیب‌رسانی به زیست‌بوم‌ها با جابجایی قهرآمیز جمعیت ساکن بومی و تخریب طبیعت بالاست. جرم تعریف‌شده دیگر، تخریب دارایی‌هایی است که می‌تواند ناشی از فعالیت‌های بشری یا بخشی از طبیعت باشد که به مالکیت انسان درآمده باشد. بدیهی است که تخریب دارایی‌های طبیعی همان تخریب طبیعت است و پیامدهای سوء خود را برای مردم منطقه و کل بشریت بجا خواهد گذارد. برخورد ضعیف دیوان بین‌المللی کیفری ناشی از محدودیتی است که دولت‌های مذاکره‌کننده پیرامون پیش‌نویس اساسنامه رُم برای آن قایل شده‌اند. به عبارت دیگر، با وجود فعالیت‌های فزاینده بین‌المللی در اواخر قرن بیستم از جمله در نشست سران زمین در سال ۱۹۹۲ و نیز در جریان مذاکرات تدوین اساسنامه رُم در سال ۱۹۹۸ برای حفاظت از محیط‌زیست، مشخص است که دولت‌ها

1. William Samoei Ruto and Joshua Arap Sang Case

2. Nandi District

تمایلی نسبت به رسیدگی قضایی به جرایم محیط‌زیستی نداشته‌اند و تنها جرایم حقوقی دو وجهی امنیتی - محیط‌زیستی جابجایی قهرآمیز جمعیت و سلب مالکیت را مدنظر قرار داده‌اند. این موضع ضعیف جامعه بین‌المللی در مورد پیگیری قضایی تخریب محیط‌زیست در میانیه پایانی کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد در ریو نیز با بهبود کمی نسبت به گذشته دیده می‌شود. در سندها یاد شده دولت‌ها ترغیب شدند که در سطوح محلی، ملی و منطقه‌ای، مشارکت عمومی را افزایش داده و دسترسی به اطلاعات و عدالت در زمینه‌های محیط‌زیستی را به شیوه مناسب گسترش دهند.^{xvi} قبل از آن، در اسناد بین‌المللی دسترسی به اطلاعات و افزایش مشارکت عمومی وجود داشت. در کنفرانس یاد شده موضوع دسترسی به عدالت در زمینه محیط‌زیست هم اضافه شد که می‌توان از آن به عنوان یک تحول ضعیف در حرکت به سوی رسیدگی قضایی به تخریب محیط‌زیست یاد کرد. ناگفته نماند که در سطوح مشخص شده در سند برای انجام سه اقدام مورد اشاره، «سطح بین‌المللی» مغفول مانده که این خود نشان‌دهنده ضعف دیگری در این فرآیند آهسته است. تشدید حساسیت‌های محیط‌زیستی در چند دهه گذشته و جستجوی فعالان محیط‌زیست در این مدت برای یافتن محکمه‌ای مناسب به منظور اجرای عدالت محیط‌زیستی سر از دیوان بین‌المللی کیفری در آورد. چنانچه مشاهده شد، در دعاوی مطرح شده در دیوان بین‌المللی کیفری رای صریحی در مورد نقض حقوق مربوط به محیط‌زیست وجود نداشت. اما در سال‌های اخیر تحولی در رابطه با حساس شدن دیوان نسبت به تخریب محیط‌زیست رخ داده که می‌توان آنرا موجب بروز تحولی بزرگ در اصلاح رویه و صدور آرای محیط‌زیستی توسط دیوان در آینده دانست.

ریچارد راجرز وکیل دادگستری از سوی ده نفر از قربانیان انتقال اجباری در کامبوج مبادرت به گشودن یک پرونده در سال ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) در دیوان بین‌المللی کیفری علیه مقام‌ها و برخی صاحبان کسب‌وکار آن کشور کرد. در پرونده یاد شده، ادعا شده بود که در اثر انتقال قهرآمیز حدود ۳۵۰۰۰۰ نفر از مردم پنوم‌پنه و غضب زمین‌های تحت مالکیت آنان توسط دولت به منظور شروع به فعالیت شرکت‌های چندملیتی برای کسب سود، منابع طبیعی منطقه دچار تخریب و آسیب فراوان شده است. بر اثر پیگیری‌های

به عمل آمده و پس از دو سال، دیوان بین‌المللی کیفری در اطلاعیه‌ای در روز ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۶ اعلام کرد که از این به بعد جرایمی که منجر به «تخریب محیط زیست»، «بهره‌برداری از منابع طبیعی»، و «سلب مالکیت» از زمین شود را در اولویت قرار خواهد داد. در اطلاعیه دیوان همچنین توضیح داده شده که این تصمیم نه برای گسترش صلاحیت دیوان، که برای ارزیابی اقدام‌های تهاجمی کنونی مانند جرایم علیه بشریت در محدوده‌ای وسیع‌تر صورت می‌گیرد. در اطلاعیه اضافه شده که دفتر دادستان به آن دسته از جرایمی که در اساسنامه رُم مورد اشاره قرار گرفته و بوسیله آن یا در نتیجه آن تخریب محیط زیست، بهره‌برداری غیرقانونی از منابع طبیعی یا سلب مالکیت به‌طور غیرقانونی از زمین صورت می‌پذیرد، توجه خاص می‌کند (The Guardian Newspaper, 2016). در گزارشی دیگر در مورد زمین‌های تصرف‌شده در کامبوج، کریس آرسنو توضیح می‌دهد که دولت کامبوج به منظور تقویت اقتصاد کشور تصمیم گرفته که به هریک از دو شرکت که کنگ شوگر^۱ از تایلند و تایوان و تت اند لیل^۲ مستقر در انگلستان ده هزار هکتار زمین جهت راه‌اندازی کسب‌وکار بدهد و در آن راستا اقدام به سلب مالکیت از مردم محلی کرده است (Arsenault, World News, 2016). در گزارش دومی با موضوع مشابه، آرسنو اظهار نظر می‌کند که این تحول در دیوان به مفهوم مسئول دانستن شرکت‌های بزرگ برای دست‌اندازی وسیع به زمین‌ها و جابجایی گسترده مردم در زمان صلح خواهد بود (Arsenault, Reuters Agency, 2016). با توجه به اینکه برخی تلفات مانند غصب میلیون‌ها هکتار زمین برای ساخت سدهای عظیم، بهره‌برداری از معادن، فعالیت‌های گسترده کشاورزی، قطع وسیع درختان در دهه‌های گذشته از سوی برخی دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ صورت گرفته است، اولویت بندی جدید دیوان می‌تواند خلاف کاران را مورد هدف قرار دهد. در این میان، صلاحیت دیوان در تهیه کیفرخواست علیه افراد متهم این مکان را فراهم می‌آورد که به‌طور هدفمند و دقیق افراد حقیقی و حقوقی مقصر در سطوح ملی و بین‌المللی از جمله صاحبان شرکت‌های چندملیتی را شناسایی و مورد محاکمه قرار دهد. جالب

1. Koh Kong Sugar

2. Tate & Lyle

توجه در این روند آنکه تفسیر پیامدهای سلب مالکیت از زمین و انتقال اجباری برای ایجاد سد و فعالیت کشاورزی محدود نشده و می تواند به تدریج محدوده وسیعتری را شامل شود.

جان ویدال و اوون بوکات در گزارشی در روزنامه گاردین، پس از تشریح تصمیم دیوان بین المللی کیفری مبنی بر اولویت دادن به رسیدگی قضایی به تخریب محیط زیست بر اثر تصرف زمین های مردم، از قول ریچارد راجرز وکیل قربانیان کامبوجی نقل می کنند که اولویت جدید دیوان دست دادستان را برای رسیدگی به موضوع تغییر آب و هوا باز می کند. آقای راجرز توضیح می دهد که بخش زیادی از دی اکسید کربن گازهای گلخانه ای به علت جنگل زدایی ناشی از غصب غیرقانونی زمین منتشر می شوند (vidal & Bowcott, 2016). با وجود غیبت واژه های صریح مربوط به جرایم محیط زیستی در اساسنامه رُم، تفسیرهای وسیع تر از انتقال قهرآمیز جمعیت و سلب مالکیت از دارایی ها از جمله زمین، تخلفات محیط زیستی را به تدریج دربر می گیرد و به نظر می رسد که مسئولان کامبوجی «خوانده» های اولین پرونده در این زمینه باشند که به صحنه دادگاه فراخوانده خواهند شد. بدیهی است در صورت محاکمه متهمان مورد اشاره و صدور رای، آرا به صورت رویه درآمدی که با استناد به آن دادگاه می تواند به رسیدگی های قضایی خود در زمینه تخلفات محیط زیستی ادامه داده و حتی موجب گسترش آن شود. از سوی دیگر، با وجود مقاومت در عرصه های مذاکره ای سیاسی بین المللی در ایجاد محاکم قضایی برای رسیدگی به تخلفات مربوط به محیط زیست و توسعه پایدار، در کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد در سال ۲۰۱۲، با گنجاندن واژه «عدالت محیط زیستی» در بیانیه نهایی نشست، جرقه اولیه دادگاه های محیط زیستی زده شد. هر چند مفاد بیانیه در این زمینه از قاطعیت در تصمیم گیری و پیش بینی سازوکارهایی برای اجرای عدالت تهی است، بهر حال آغازی است برای بحث های بیشتر در این زمینه و تنگ تر کردن عرصه برای کسانی که در گوشه و کنار جهان با هر توجیهی، حتی اقتصادی و توسعه ای، به تخریب گسترده و گاهی نابودی جبران ناپذیر محیط زیست مبادرت می ورزند.

۶- فرصت‌ها و چالش‌های شناسایی رابطه حقوق بشر با محیط‌زیست

در این بخش تلاش شد که وفق اسناد و مصوبه‌های مراجع حقوقی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ابعاد گوناگون رابطه بین حقوق بشر به‌ویژه حق حیات و محیط‌زیست و نیز سیر تحول در این رابطه در مجامع بین‌المللی و نیز دو مرجع قضایی منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بررسی قرارگیرد. باوجود اینکه پیرامون هریک از دو موضوع حقوق بشر و محیط‌زیست جداگانه تحقیق‌ها و بررسی‌های بیشماری صورت‌گرفته و مواضع بسیاری مطرح‌شده، به‌نظر می‌رسد که به‌طورکلی تمایل جدی درگردهمایی‌های بین‌دولتی به شناسایی رابطه آن دو با یکدیگر وجود نداشته است. موفقیت‌های نسبی در اتصال بین دو رشته را می‌توان در تصویب واژه‌هایی چون حق حیات، حق توسعه، حق بهره‌برداری از منابع طبیعی خود، حق دسترسی به اطلاعات در زمینه‌های محیط‌زیستی، و حق مشارکت در روند تصمیم‌گیری ازجمله در طرح‌های محیط‌زیستی یافت. اما این میزان از تفاهم بین دولت‌ها در مقایسه با سطح پیشرفت در مطالعات جداگانه مربوط به هریک از دو زمینه مورد بحث ناچیز است و علاوه بر آن، منعکس‌کننده واقعیت موجود یعنی رابطه گسترده و دوسویه بین این دو موضوع نیست. جالب‌توجه آنکه این وضعیت تنها در مجامع بین‌دولتی اتفاق نیفتاده و با جستجویی در فهرست تحقیقات صورت‌گرفته توسط اندیشمندان، کم‌وبیش وضعیت مشابهی دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

موضع کنونی جامعه بین‌المللی در زمینه رابطه بین حقوق بشر و محیط‌زیست متأثر از عوامل و ملاحظات زیر است:

الف) همانند دو موضوع «توسعه» و «محیط‌زیست» که پیشرفت در هر یک در گذشته باعث ضعف و اثر منفی بر دیگری می‌شد و مباحث زیادی را تا نیل به راه‌حل توسعه‌پایدار به خود اختصاص داد، دو موضوع «محیط‌زیست» و «حقوق بشر» نیز بر یکدیگر اثرگذار هستند. اینکه آیا منابع طبیعی را باید در تسخیر انسان دانست؟ آیا وفق دو میثاق حقوق بشری و برخی مکاتب، حق بشر بهره‌برداری از منابع طبیعی خود به هر شیوه‌ای که می‌خواهد، است؟ آیا بشر جزئی از طبیعت بوده و باید به‌اندازه خود و به‌طور

محدود از آن بهره‌برداری کند و برای سایر اجزای طبیعت مانند تالاب، جنگل، حیات وحش، آب و خاک و هوا حقوقی قائل شود؟ آیا سایر اجزای طبیعت نیز حق حیات دارند یا اینکه این حق تنها و تنها به بشر به‌عنوان جزء نیرومندتر بر روی گره‌زمین تعلق دارد؟ اینها مباحثی هستند که هنوز اندیشمندان و دولتمردان پیرامون آن به تفاهم نرسیده و صاحبان مکاتب مختلف نسبت به آن دیدگاه‌های متفاوتی دارند.

ب) ارتباط بین محیط‌زیست و حقوق بشر از دیدگاه هیچ‌کس یا دولتی مردود شمرده نشده و این خود نشان از وجود واقعیتهای انکارناپذیر دارد. اما به رسمیت شناختن این ارتباط، بر پیچیدگی‌ها افزوده و مشخص نبودن حدود و مرزها و ابعاد این ارتباط می‌تواند به قربانی شدن هریک از دو موضوع بیانجامد. در صورت برقراری این ارتباط در یک گردهمایی، دیگر مشکل بتوان روی موضوع خاص آن متمرکز شد. همچنین، برقراری این رابطه ممکن است در مجامع بین‌المللی فعال در زمینه محیط‌زیست مانند نشست طرفهای اسناد حقوقی محیط‌زیستی به پیچیده‌تر شدن موضوع و حتی بی‌نتیجه ماندن جلسات بیانجامد.

پ) پذیرش رسمی و گسترده حقوقی چون حق حیات، حق توسعه، و درپی آن برقراری رابطه بین محیط‌زیست و حقوق بشر به‌گسترش دعاوی حقوقی علیه متهمان، اقدام علیه عملکرد مدیران و متهمان اقدام به تخریب محیط‌زیست می‌انجامد و فعالیت‌های جاری ساختارها و روندهای جا افتاده را حداقل برای مدتی دچار سردرگمی و مخاطره می‌سازد.

ت) به دلیل تعلل جامعه بین‌المللی در شناسایی، تدوین و برسمیت شناختن رابطه بین عناصر حقوق بشری و محیط‌زیستی در اسناد حقوقی بین‌المللی، به سازوکارهای قضایی منطقه‌ای و بین‌المللی موجود مسئولیت‌های مشخص و قطعی برای رسیدگی گسترده به تخلفات محیط‌زیستی محول نشده و از این رو در تاریخچه دستگاه‌های قضایی فراملی عملکرد قوی و مدت‌داری به چشم نمی‌خورد. در میان نظام‌های قضایی فراملی، به نظر می‌رسد که دادگاه اروپایی حقوق بشر پیش‌روتر بوده، از تجربه‌های ارزشمندتری در دفاع از حقوق مردم چون حق حیات و حق مالکیت برخوردار است که می‌تواند مورد استفاده نظام‌های قضایی دیگر قرار گیرد.

ث) حق به (حق برخورداری از) محیط‌زیست به‌عنوان بخشی از ارگا/ومنوس^۱ به این اعتبار که در مقابل همه اشخاص حقیقی و حقوقی امکان مطالبه باشد، مورد استفاده قرار نگرفته و رویه قضایی محکمی در این خصوص شکل نگرفته است. با این وجود، حق به (حق برخورداری از) محیط‌زیست به‌خاطر ماهیت و طبیعت خود قابل مرزبندی با حقوق نسل اول از نظر چگونگی طرح دعوی و خسارات قابل مطالبه است (مولایی، ۱۳۸۶: ۲۹۳ تا ۲۹۴). علاوه بر آن، تردیدی نسبت به جایگاه «حق برخورداری از محیط‌زیست سالم» در نسل سوم حقوق بشر در برهه زمانی کنونی وجود ندارد. اما تا زمانیکه ابعاد این حق تعریف نگردیده و بر روی آن توافق حداقلی بین دولت‌ها صورت نپذیرد، نمی‌توان از تحقق آن در جوامع گوناگون به‌ویژه جوامعی که از قوانین موضوعه قوی در این زمینه برخوردار نیستند، اطمینان حاصل کرد.

ج) سیاسی‌شدن هر موضوع غیرسیاسی می‌تواند بر میزان تفاهم و توافق پیرامون آن بین دولت‌ها اثر منفی بگذارد. درمجامع بین‌المللی که با حضور نمایندگان دولت‌ها برگزار می‌شوند، موضوع‌های مطرح‌شده در هر حال ابعاد سیاسی پیدا می‌کنند. از این رو، حساسیت‌های سیاسی دولت‌ها نسبت به عناصر ارتباطی موضوع‌های حقوق بشری و توسعه و محیط‌زیست و غیره افزایش می‌یابد و مانع نیل به تفاهم در زمینه موضوع در دست‌ورکار می‌شود. بدیهی است که این روند، بجای بنانهادن و مشخص کردن یک رابطه و حل‌وفصل مشکلات بشری، برای آن یک زمینه مورد بحث ممکن است ویرانگر باشد. پرهیز از شروع این روند، باعث خودداری از بحث و بررسی و روشن کردن ابعاد رابطه بین‌رشته‌ای در محافل رسمی می‌شود، که خود عامل در جازدن است.

چنانکه اشاره شد و به‌عنوان مثال، تلاش کمیسیون فرعی حمایت از اقلیت‌ها برای مشخص کردن رابطه بین محیط‌زیست و حقوق بشر در مرحله تحقیقات به پیشرفت‌هایی نایل می‌شود؛ اما در کمیسیون حقوق بشر که جمعی سیاسی‌تر و کمتر فنی است، به تایید و تصویب نمی‌رسد. در نمونه‌ای دیگر، بسیاری از کشورهای در حال توسعه در برابر تلاش‌های اتحادیه اروپا برای وارد کردن عناصر حقوق بشری چون حق مالکیت،

^۱. erga omnis

آزادی‌های اساسی، حاکمیت قانون، دموکراسی در اسناد محیط‌زیستی به دلیل وجود ضعف در مدیریت محیط‌زیست در کشورهای خود مقاومت می‌کنند. یا اروپا و آمریکا مخالف گنجاندن واژه «توسعه» به عنوان یک حق در میان حقوق ذاتی شناخته شده بشر هستند؛ و اگر تاکنون هم موافقت کرده‌اند، نتوانسته‌اند مقاومت کنند و در نتیجه کمکی به تعمیق و تحقق این حق نمی‌کنند. از سوی دیگر، آمریکا نمی‌تواند حامی قوی این رابطه باشد، زیرا با ضعف‌هایی که در حال حاضر در حفاظت از محیط‌زیست دارد و حساسیتش به ملاحظات اقتصادی در چارچوب حقوق بشر زیر سوال می‌رود. نتیجه آنکه در اسناد و توافق‌های رسمی بین‌المللی کمتر از رابطه بین عناصر دو موضوع حقوق بشر و محیط‌زیست از جمله حق حیات به چشم می‌خورد و یا اگر وجود دارد، فاقد تعریف کامل و جامعی از آن هست. رابطه بین حقوق بشر و محیط‌زیست یک واقعیت است و واکنش به این رابطه در مجامع بین‌المللی علمی و رسمی هر چه باشد، نمی‌توان از آشکار شدن ابعاد آن و بحث‌های بیشتر در این زمینه خودداری کرد. با افزایش پیچیدگی‌های زندگی، گسترش روابط انسانی، روند جهانی‌شدن، ادامه تخریب محیط‌زیست و در نتیجه به خطرات دادن هر چه بیشتر سلامت و ادامه حیات انسان، بشر چاره‌ای جز سرفروا آوردن در برابر واقعیت زندگی، بررسی بیشتر رابطه بین حقوق بشر و محیط‌زیست، و تنظیم قواعدی در سطوح ملی و بین‌المللی برای بهبود رابطه‌اش با محیط‌زیست و بهره‌برداری پایدار و خردمندانه از منابع طبیعی باقیمانده ندارد. حتی اگر بر این باور هم باشیم که تمامی موجودات، اعم از جان‌دار و بی‌جان، بر روی کره زمین در تسخیر و خدمت انسان هستند، نباید از آن توجیهی برای بهره‌برداری ناپایدار از منابع طبیعی ساخت؛ چراکه خود انسان برای ادامه حیات خود و رشد و توسعه به محیط‌زیستی سالم و منابع طبیعی کافی نیاز دارد. در تعالیم ادیان الهی و مکاتب فکری که انسان را در میان موجودات دیگر، محور یا برتر می‌دانند، استفاده از طبیعت و توجه به آن جزو وظایف پیروان قرار گرفته و در هیچ موردی تخریب محیط‌زیست به نفع انسان توصیه نشده است. بنابراین، قبول رابطه‌ای معقول بین محیط‌زیست و حقوق بشر و سازگار با واقعیت، صرف‌نظر از ملاحظات سیاسی، باید در دستور کار جامعه بشری باشد. باید حق برخورداری از یک محیط‌زیست سالم و حق حیات با ابعاد حقوق بشری و محیط‌زیستی را برای انسان

پذیرفت و به رسمیت شناخت. حتی حقوق ذاتی بشری مانند حق مالکیت، حق برخورداری از آزادی‌های اساسی، دموکراسی، حق آموزش، و دیگر حقوق سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی نیز در صورتی اجرا شدند که محیطی سالم و منابع طبیعی برای تامین نیازهای اولیه زندگی فراهم باشد. به عبارت دیگر، اگر منابع طبیعی کافی برای بهره‌برداری انسان‌ها وجود نداشته باشد، رقابت بین جوامع بشری برای برخورداری از منابع تشدید شده و چه بسا به جنگ و خونریزی و ناامنی دامن بزند. بدیهی است در چنین شرایطی، دیگر سخن گفتن از آزادی‌های اساسی، دموکراسی و دیگر حقوق انسانی معنا و توجیهی نخواهد داشت و اولویت انسان‌ها بقاء، و نه ادامه حیات، حتی به قیمت از دست رفتن انسان‌ها و جوامع ضعیف‌تر خواهد شد.

پی نوشت‌ها

- ⁱ. قطعنامه مصوب چهل و یکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد به شماره A/41/128 مورخ چهارم دسامبر ۱۹۸۶ که حاوی "اعلامیه حق توسعه" است.
- ⁱⁱ. البته باید توجه داشت که مذاکرات مربوط به تدوین متن کنوانسیون آرهوس در قالب کمیسیون اقتصادی اروپا صورت گرفته و تاکنون فقط ۴۷ دولت اروپایی، قفقاز و آسیای مرکزی بدان پیوسته‌اند. اجرای مفاد کنوانسیون از سال ۲۰۰۲ برای دولت‌های متعهد لازم الاجرا گردید. از اینرو، کنوانسیون آرهوس جهان شمول نبوده و بهتر است عنوان کنوانسیون منطقه‌ای، و نه کنوانسیون بین المللی را به آن داد.
- ⁱⁱⁱ. وفق ماده ۹ کنوانسیون بین المللی حفاظت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده هایشان که دارای ۹۳ ماده بوده و در سال ۲۰۰۳ وارد مرحله اجرا شده است.
- ^{iv}. وفق ماده ۱۰ کنوانسیون حقوق افراد معلول که دارای ۱۸ ماده بوده و در سال ۲۰۰۸ وارد مرحله اجرا شده است.
- ^v. گزارش کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حفاظت از اقلیت‌ها به کمیسیون حقوق بشر مندرج در سند شماره E/CN.4/Sub.2/1994/9
- ^{vi}. قطعنامه کمیسیون حقوق بشر به شماره ۲۰۰۵/۶۰ مورخ ۲۰ آوریل ۲۰۰۵.
- ^{vii}. قطعنامه‌های شورای حقوق بشر به شماره ۷/۲۳ سال ۲۰۰۸ و شماره ۱۰/۴ سال ۲۰۰۹.
- ^{viii}. قطعنامه شورای حقوق بشر به شماره ۱۹/۱۰ سال ۲۰۱۲.
- ^{ix}. قطعنامه شورای حقوق بشر به شماره ۲۵/۲۱ سال ۲۰۱۴.
- ^x. پس از مذاکرات طولانی بین دولت‌های علاقمند و مشارکت جوامع مدنی در مباحث، اساسنامه رم در سال ۱۹۹۸ (۱۳۷۷) در شهر رم نهایی گردید و بر اساس آن دیوان بین المللی کیفری در سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۱) در شهر لاهه کشور هلند راه اندازی شد. تاکنون ۱۲۳ دولت به طور داوطلبانه به اساسنامه دیوان پیوسته‌اند. دیوان می‌تواند در قضایایی وارد شود که در آن فرد یا افراد متخلف از اتباع کشورهای متعهد به اساسنامه رم باشند یا توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد به دیوان ارجاع شده باشد. در عمل، اغلب کیفرخواست‌های مطرح در دیوان به رهبران و افرادی در کشورهای آفریقایی اختصاص داشته و این واقعیت موجب شده که بسیاری از دولت‌های آفریقایی عملکرد دیوان را تبعیض آمیز تلقی نمایند.
- ^{xixi}. وفق بند اول ماده پنج اساسنامه رم، تحت عنوان «جرائم در محدوده صلاحیت دادگاه».

- xii. وفق بند دوم (a) (IV) ماده هشتم اساسنامه رُم.
xiii. وفق بند دوم (b) (IV) ماده هشتم اساسنامه رُم.
xiv. وفق بند اول (d) ماده هفتم اساسنامه رُم.
xv. وفق بند دوم (d) ماده هفتم اساسنامه رُم.
xvi. وفق بند ۹۹ سند پایانی کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد.

منابع و مأخذ

- ۱- امین منصور، جواد (۱۳۹۴). «رابطه بین حقوق بشر و محیط زیست از منظر جمعه بین المللی»، فصلنامه سیاست خارجی، فصلنامه مرکز مطالعات سیاسی بین المللی وزارت امور خارجه، دوره ۲۹، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، ص ۷ تا ۳۳؛
۲- مولایی، یوسف (۱۳۸۵). «نسل سوم حقوق بشر و حق به محیط زیست سالم»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۶، ص ۲۳۷ تا ۲۹۶؛

3. Additional Protocol to the Convention on Human Rights in the areas of Economic, Social and Cultural Rights, so called: San Salvador Protocol, available at:

[https://www.oas.org/dil/1988%20Additional%20Protocol%20to%20the%20American%20Convention%20on%20Human%20Rights%20in%20the%20Area%20of%20Economic,%20Social%20and%20Cultural%20Rights%20\(Protocol%20of%20San%20Salvador\).pdf](https://www.oas.org/dil/1988%20Additional%20Protocol%20to%20the%20American%20Convention%20on%20Human%20Rights%20in%20the%20Area%20of%20Economic,%20Social%20and%20Cultural%20Rights%20(Protocol%20of%20San%20Salvador).pdf);

4. Aarhus Convention, available at:

<https://www.unece.org/env/pp/treatytext.html>

5. Arsenault, Chris (2016), Report entitled: 'International court to prosecute environmental crimes in major shift', available at:

<https://www.reuters.com/article/us-global-landrights-icc/international-court-to-prosecute-environmental-crimes-in-major-shift-idUSKCN11L2F9>;

6. Arsenault, Chris (2016), Report entitled: 'Landless Cambodian farmers look to International Criminal Court for justice', available at:

<https://www.reuters.com/article/us-icc-cambodia-landrights/landless-cambodian-farmers-look-to-international-criminal-court-for-justice-idUSKBN13H1J9>;

7. Boyle, Alan (2014), 'Human Rights or Environmental Rights: A Reassessment'. (Edinburgh: Edinburgh University Press);

8. European Convention on Human Rights, available at: https://www.echr.coe.int/Documents/Convention_ENG.pdf;

9. Mensah, Barbara (2000), 'European Human Rights Case Locator: 1960-2000'. (London: Cavendish Publishing Limited);

Report of the Special Rapporteur of the U.N. Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities, available at: <http://hrlibrary.umn.edu/demo/subcomm46detainees.html>;

10. Report of the Special Rapporteur on the Issue of Human Rights Obligations Relating to the Enjoyment of a Safe, Clean, Healthy and Sustainable Environment, entitled: "Human Rights and Environment", to the Human Rights Council, under: A/HRC/31/52, dated 1st February 2016, available at:

http://ap.ohchr.org/documents/dpage_e.aspx?si=A/HRC/31/52;

11. Report of the Special Rapporteur on the Issue of Human Rights Obligations Relating to the Enjoyment of a Safe, Clean, Healthy and Sustainable Environment, entitled: "Human Rights and Environment", to the Human Rights Council, under: A/HRC/34/49, dated 19 January 2017, available at:

http://ap.ohchr.org/documents/dpage_e.aspx?si=A/HRC/34/49;

12. Report of the United Nations Conference on Human Environment (1972), under the United Nations General Assembly Resolution: A/CONF.48/14/Rev.1, dated 16 June 1972, available at:

<http://www.un-documents.net/aconf48-14r1.pdf>;

13. Report of the 61st session of the Commission on Human Rights, available at:

<https://www.ohchr.org/EN/HRBodies/CHR/61/Pages/Session61.aspx>;

14. Reports of the sessions of the Human Rights Council from 2006 to 2018, available at:

<https://www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/Pages/Documents.aspx>;

15. Reports of the United Nations major conferences, available at:

<https://research.un.org/en/docs/environment/conferences>;

16. Rome Statute of International Criminal Court, available at:

https://www.icc-cpi.int/nr/rdonlyres/ea9aeff7-5752-4f84-be94-0a655eb30e16/0/rome_statute_english.pdf

17. Texts of the human rights legal instruments, available at:

<https://research.un.org/en/docs/humanrights/treaties>;

18. United Nations Agenda 21, adopted at the UN Conference on Environment and Development in 1992; available at:

<https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/Agenda21.pdf>

19. United Nations Conference on Sustainable Development's outcome document, entitled: "The Future We Want", adopted in June 2012, in the city of Rio de Janeiro, Brazil; available at:

http://www.un.org/disabilities/documents/rio20_outcome_document_complete.pdf;

20. Universal Declaration of Human Rights, available at:

http://www.un.org/en/udhrbook/pdf/udhr_booklet_en_web.pdf;

21. Vidal, John and Owen Bowcott (2016), Report entitled: 'ICC widens remit to include environmental destruction cases', available at:

<https://www.theguardian.com/global/2016/sep/15/hague-court-widens-remit-to-include-environmental-destruction-cases>.